

کتاب کار آزمون های لیسنینگ آیلتس
بخش اول

WORKBOOK
IELTS LISTENING

Section 1

Cambridge 12 - 16

فهرست کتاب کار آزمون های لیسنینگ آیلتس : بخش اول

بهمراه متن انگلیسی و ترجمه

صفحه	تست	بخش	کتاب کمبریج	تمرینات
۴	تست ۱	بخش ۱	کمبریج ۱۲	تمرین شماره ۱
۱۰	تست ۲	بخش ۱	کمبریج ۱۲	تمرین شماره ۲
۱۶	تست ۳	بخش ۱	کمبریج ۱۲	تمرین شماره ۳
۲۴	تست ۴	بخش ۱	کمبریج ۱۲	تمرین شماره ۴
۳۰	تست ۱	بخش ۱	کمبریج ۱۳	تمرین شماره ۵
۳۶	تست ۲	بخش ۱	کمبریج ۱۳	تمرین شماره ۶
۴۴	تست ۳	بخش ۱	کمبریج ۱۳	تمرین شماره ۷
۵۰	تست ۴	بخش ۱	کمبریج ۱۳	تمرین شماره ۸
۵۸	تست ۱	بخش ۱	کمبریج ۱۴	تمرین شماره ۹
۶۶	تست ۲	بخش ۱	کمبریج ۱۴	تمرین شماره ۱۰
۷۴	تست ۳	بخش ۱	کمبریج ۱۴	تمرین شماره ۱۱
۸۲	تست ۴	بخش ۱	کمبریج ۱۴	تمرین شماره ۱۲
۸۸	تست ۱	بخش ۱	کمبریج ۱۵	تمرین شماره ۱۳
۹۴	تست ۲	بخش ۱	کمبریج ۱۵	تمرین شماره ۱۴
۱۰۲	تست ۳	بخش ۱	کمبریج ۱۵	تمرین شماره ۱۵
۱۱۰	تست ۴	بخش ۱	کمبریج ۱۵	تمرین شماره ۱۶
۱۱۸	تست ۱	بخش ۱	کمبریج ۱۶	تمرین شماره ۱۷
۱۲۶	تست ۲	بخش ۱	کمبریج ۱۶	تمرین شماره ۱۸
۱۳۲	تست ۳	بخش ۱	کمبریج ۱۶	تمرین شماره ۱۹
۱۳۸	تست ۴	بخش ۱	کمبریج ۱۶	تمرین شماره ۲۰

حق چاپ، نشر و هرگونه کپی برداری محفوظ و متعلق به وب سایت هونیک می باشد

توجه: پیشنهاد می گردد این کتاب کار بصورت دورو پرینت گرفته شود و حتما تمرینات را انجام دهید.

مقدمه

این کتاب کار شامل ۲۰ عدد محتوا (متن به همراه صوت) از بخش اول آزمون های لیسنینگ آیلتس (جلد ۱۲ الی ۱۶ کتاب های کمبریج) می باشد که جهت تقویت مهارت های لیسنینگ و اسپیکینگ (مکالمه) بر اساس تمریناتی تخصصی طراحی شده است. چنانچه تمامی تمرینات را با دقت انجام دهید، پیشرفت قابل چشمگیری در زبان انگلیسی شما بویژه مهارت های لیسنینگ و اسپیکینگ رخ خواهد داد. دوستان عزیز، ما می دانیم وقت شما بسیار ارزشمند است و باید مجموعه ای که شایستگی شما عزیزان را داشته باشد تهیه گردد. لذا تیم گروه آموزشی هونیک نهایت سعی خود را کرده است تا بهترین ها را برای شما عزیزان تهیه نماید.

راهنمای استفاده

جهت انجام تمرینات میبایست جملات انگلیسی را که می شنوید، تکرار کنید و بنویسید. پیشنهاد می گردد به صورت زیر عمل نمایید:

مرحله اول: تمرین به همراه پوشه صوتی مورد نظران را انتخاب کنید.

مرحله دوم: اینک فایل های صوتی انتخاب شده را با دقت گوش دهید و جملات را با صدای بلند تکرار کنید. سعی کنید آنقدر با صدای بلند تکرار کنید تا مسلط یا حفظ شوید و بتوانید همانند گوینده آن جمله را تکرار کنید. (تقویت لیسنینگ و اسپیکینگ با تکنیک شدوینگ)

مرحله سوم: جمله انگلیسی که شنیده اید و بر زبان آورده اید (مسلط شده اید) را در کتاب کار بنویسید. (تقویت لیسنینگ و رایتنینگ با تکنیک ترنسکرایبینگ)

توجه : چنانچه نتوانستید برخی از جملات را حدس بزنید، ایرادی ندارد، سایر تمرینات را انجام دهید و بعد نگاهی اندک به متن انگلیسی جمله بیاندازید و سپس برگردید و تمرین را دوباره انجام دهید. حتما نقاط ضعف و اشتباهاتتان را نکته برداری کنید.

توجه : دوستان عزیز، یادگیری فرایندی تدریجی است. مطمئن باشید با انجام تمرینات مستمر در مسیر صحیح پیشرفت قابل چشمگیری خواهید نمود.

تمرین ۱ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

1 - Camb12-SECTION1-T1

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

1 - Camb12-SECTION1-T1

01 TC EMPLOYEE: Hi. Can I help you?

سلام. میتونم کمکتون کنم؟

02 VISITOR: I'd like to find out if you have any excursions suitable for families.

می‌خوام بدونم سفر مناسبی برای خانواده‌ها دارید یا نه.

03 TC EMPLOYEE: Sure. How about taking your family for a cruise?

حتماً. نظرتون در مورد بردن خانواده به یه سفر دریایی چیه؟

04 We have a steamship that takes passengers out several times a day - it's over 100 years old.

ما یه کشتی بخار داریم که در روز چند بار مسافرا رو به سفر می‌بره - این کشتی بیش از ۱۰۰ سال قدمت داره.

05 VISITOR: That sounds interesting. How long is the trip?

جالب به نظر می‌رسه. مدت سفر چقدره؟

06 TC EMPLOYEE: About an hour and a half. And don't forget to take pictures of the mountains.

حدود یه ساعت و نیم. و فراموش نکنید که از کوه‌ها عکس بگیرید.

07 They're all around you when you're on the boat and they look fantastic.

وقتی که تو قایق هستید، کوه‌ها اطراف شما هستند و فوق‌العاده به نظر می‌رسن.

08 VISITOR: OK. And I assume there's a café or something on board?

باشه. و فکر کنم که کافه‌ای یا چیزی شبیه اون تو کشتی هست؟

09 TC EMPLOYEE: Sure. How old are your children?

قطعاً. بچه‌هاتون چند سالشونه؟

10 VISITOR: Er, my daughter's fifteen and my son's seven.

دخترم پانزده سال و پسرم هفت سالشه.

11 TC EMPLOYEE: Right. Well there are various things you can do once you've crossed the lake, to make a day of it.

درسته. خب، بعد از عبور از دریاچه می‌تونید کارهای مختلفی انجام بدین تا یه روز خاطره‌انگیز برای خودتون بسازید.

12 One thing that's very popular is a visit to the Country Farm.

یکی از چیزهایی که خیلی محبوبه، بازدید از مزارع اطراف شهره.

13 You're met off the boat by the farmer and he'll take you to the holding pens, where the sheep are kept. Children love feeding them!

به محض رسیدن کشتی شما اونجا کشاورز رو خواهید دید که اونجاست و شما رو به یه آغل می‌بره. جایی که گوسفندها اونجا نگهداری میشن. بچه‌ها عاشق غذا دادن به اونا هستن!

14 VISITOR: My son would love that. He really likes animals.

پسرم عاشق این کار میشه. اون واقعاً حیونا رو دوست داره.

15 TC EMPLOYEE: Well, there's also a 40-minute trek round the farm on a horse, if he wants.

خب، اگه پسرتون بخواد، یه گردش ۴۰ دقیقه‌ای اطراف مزرعه با اسب هم داریم.

1 - Camb12-SECTION1-T1

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

1 - Camb12-SECTION1-T1

- 16 VISITOR: Do you think he'd manage it? He hasn't done that before.
فکر می کنید از پشش بر میاد؟ قبلاً این کار رو نکرده.
- 17 TC EMPLOYEE: Sure. It's suitable for complete beginners. VISITOR: Ah, good.
مطمئناً. برای تازه کارا کاملاً مناسبه. / خوبه.
- 18 TC EMPLOYEE: And again, visitors are welcome to explore the farm on their own, as long as they take care to close gates and so on.
و باز هم میگویم، تا زمانیکه بازدیدکنندهها مراقب بستن دروازهها و چیزای دیگه باشن، میتونن به تنهایی اطراف مزرعه بگردن.
- 19 There are some very beautiful gardens along the side of the lake which also belong to the farm - they'll be just at their best now.
چند تا باغ خیلی زیبا کنار دریاچه وجود داره که اونا هم متعلق به مزرعه هستن - اونا الان در بهترین شرایط خودشونن.
- 20 You could easily spend an hour or two there.
شما خیلی راحت میتونید یکی دو ساعت رو اونجا بگذرونید.
- 21 VISITOR: OK. Well that all sounds good. And can we get lunch there?
باشه. خب، همه چیز ظاهراً خوبه. و آیا میتونیم اونجا ناهار بخوریم؟
- 22 TC EMPLOYEE: You can, and it's very good, though it's not included in the basic cost.
میتونید، و این خیلی خوبه، اگرچه این شامل هزینهی اصلی نیست.
- 23 You pay when you get there. VISITOR: Right.
وقتی پرداخت می کنید که به اونجا رسیدید. درسته.
- 24 VISITOR: So is there anything else to do over on that side of the lake?
کار دیگه ای هم هست که بشه اونطرف دریاچه انجام داد؟
- 25 TC EMPLOYEE: Well, what you can do is take a bike over on the ship and then go on a cycling trip.
خب، کاری که میتونید انجام بدین اینه که با خودتون یه دوچرخه به کشتی بیارین و بعد با دوچرخه سفر کنید.
- 26 There's a trail there called the Back Road - you could easily spend three or four hours exploring it, and the scenery's wonderful.
اونجا یه مسیری به اسم " Back Road " وجود داره - به راحتی میتونید سه چهار ساعت اونجا بگردین. مناظر فوق العاده ای داره.
- 27 They'll give you a map when you get your ticket for the cruise - there's no extra charge.
وقتی که بلیط سفر دریایی تون رو دریافت کردین، یه نقشه به شما میدن - این هزینهی اضافی نداره.
- 28 VISITOR: What's the trail like in terms of difficulty?
اون جاده از نظر سختی مسیر چطوره؟
- 29 TC EMPLOYEE: Quite challenging in places. It wouldn't be suitable for your seven-year-old.
یه جاهایی کاملاً چالش برانگیزه. برای کودک هفت ساله شما مناسب نیست.
- 30 It needs someone who's got a bit more experience.
لازمه که شخص کمی باتجربه باشه.

1 - Camb12-SECTION1-T1

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

46

1 - Camb12-SECTION1-T1

- 31 VISITOR: Hmm. Well, my daughter loves cycling and so do I, so maybe the two of us could go, and my wife and son could stay on the farm.
هوم. خب، دخترم و همینطور من عاشق دوچرخه سواری هستیم. شاید ما دو نفری تونستیم بریم و همسر و پسر هم میتونن تو مزرعه بمونن.
- 32 That might work out quite well. But we don't have bikes here... is there somewhere we could rent them?
این می تونه خوب جواب بده. ولی ما اینجا دوچرخه نداریم... جایی هست که بتونیم کرایه کنیم؟
- 33 TC EMPLOYEE: Yes, there's a place here in the city. It's called Ratchesons.
آره، یه جایی تو شهر هست که بهش راتچسانز میگن.
- 34 VISITOR: I'll just make a note of that - er, how do you spell it?
الان اسمش رو یادداشت می کنم - شما چطوری می نویسیدش؟
- 35 TC EMPLOYEE: R-A-T-C-H-E-S-O-N-S. It's just by the cruise ship terminal. VISITOR: OK.
R-A-T-C-H-E-S-O-N-S. کنار ترمینال کشتی تفریحیه. / باشه.
- 36 TC EMPLOYEE: You'd also need to pick up a repair kit for the bike from there to take along with you,
باید یه کیت تعمیر دوچرخه هم از اونجا بردارید تا با خودتون ببرین،
and you'd need to take along a snack and some water - it'd be best to get those in the city.
و باید یه میان وعده و مقداری آب همراه داشته باشین - بهتره اونا را تو شهر تهیه کنین.
- 37 VISITOR: Fine. That shouldn't be a problem. And I assume I can rent a helmet from the bike place?
خوبه. مشکلی نیست. و فکر کنم بشه یه کلاه ایمنی از محل تحویل دوچرخه کرایه کنم؟
- 38 TC EMPLOYEE: Sure, you should definitely get that.
بدون شک، شما حتما باید یکی بگیریدین.
- 39 It's a great ride, but you want to be well prepared because it's very remote - you won't see any shops round there, or anywhere to stay,
این یه گردش عالیه، اما باید به خوبی آماده باشین چون اونجا یه جای دورافتادست - هیچ مغازه یا محل اقامتی اون اطراف نیست،
40 so you need to get back in time for the last boat.
پس باید به موقع برای آخرین قایق برگردین.
- 41 VISITOR: Yeah. So what sort of prices are we looking at here?
بله. چه قیمت هایی داریم؟
- 42 TC EMPLOYEE: Let's see, that'd be one adult and one child for the cruise with farm tour, that's \$117, and an adult and a child for the cruise only so that's \$214 dollars altogether.
بزارید ببینم، یه بزرگسال و یه کودک برای سفر دریایی همراه با تور مزرعه میشه ۱۱۷ دلار، و یه بزرگسال و یه کودک فقط برای سفر دریایی، پس در مجموع میشه ۲۱۴ دلار.
- 43 Oh, wait a minute, how old did you say your daughter was? VISITOR: Fifteen.
اوه، یک لحظه صبر کنین، گفتین دخترتون چند سالشه؟ / پانزده.
- 44 TC EMPLOYEE: Then I'm afraid it's \$267 because she has to pay the adult fare, which is \$75 instead of the child fare which is \$22 - sorry about that.
پس با عرض شرمندگی ۲۶۷ دلار میشه چون اون باید کرایه ی بزرگسالان رو بپردازه که ۷۵ دلار به جای کرایه ی کودک که ۲۲ دلاره - متاسفم.
- 45 VISITOR: That's OK. Er, so how do ...
مشکلی نیست. خوب، حالا چطور ...

تمرین ۲ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

2 - Camb12-SECTION1-T2

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

2 - Camb12-SECTION1-T2

- 01 MAN: Good morning, Kenton Festival box office. How can I help you?
صبح بخیر، گیشه‌ی جشنواره کنتون. چطور می‌تونم بهتون کمک کنم؟
- 02 WOMAN: Oh, good morning. I'm coming to Kenton for a few days' holiday next month, and a friend told me there's a festival.
اوه، صبح بخیر. من ماه آینده برای یه تعطیلات چند روزه به کنتون میام و یکی از دوستان بهم گفت که یه جشنواره قراره اونجا باشه.
- 03 She gave me this number to find out about it.
او این شماره رو به من داد تا درباره اون جشنواره اطلاعات بگیرم.
- 04 MAN: That's right, the festival begins on the 16th of May and goes on till the 19th.
درسته. جشنواره از ۱۶ می شروع میشه و تا نوزدهم ادامه داره.
- 05 WOMAN: Oh, that's great. I'll be there from the 15th till the 19th.
اوه، عالیه. من از پونزدهم تا نوزدهم اونجام.
- 06 So could you tell me the programme, please?
پس لطفاً می‌تونید برنامه رو به من بگین؟
- 07 MAN: Well, on the first day, there's the opening ceremony, in the town centre.
خب، روز اول، مراسم افتتاحیه تو مرکز شهر برگزار میشه.
- 08 People start gathering around 2 o'clock, to get a good place to see from, and the events will start at 2.45, and finish about 5.30.
مردم از ساعت ۲ شروع به جمع شدن می‌کنن تا مکان مناسبی برای تماشای مراسم پیدا کنن و رویدادها از ساعت ۲:۴۵ شروع میشن و حدود ۵:۳۰ تموم میشن.
- 09 WOMAN: OK, thanks. I'll make sure I get there early to get a good spot.
باشه، ممنون. تلاش می‌کنم که زودتر اونجا برسم تا یه جای خوب پیدا کنم.
- 10 MAN: The festival will be officially opened by the mayor.
جشنواره به طور رسمی توسط شهردار افتتاح میشه.
- 11 He'll just speak for a few minutes, welcoming everyone to the festival.
او فقط برای چند دقیقه صحبت میکنه و به همه (برای اومدن به جشنواره) خوش آمد میگه.
- 12 All the town councillors will be there, and of course lots of other people.
همه ی اعضای شورای شهر و البته خیلی از افراد دیگه اونجا هستن.
- 13 WOMAN: Right. MAN: Then there'll be a performance by a band.
درسته. / بعدش یه گروه موسیقی اجرا داره.
- 14 Most years we have a children's choir, but this year the local army cadets offered to perform, and they're very good.
بیشتر سال‌ها ما یه گروه کر کودکان داریم، ولی امسال دانشجویهای افسری ارتش محلی پیشنهاد اجرای برنامه دادن و اونا خیلی خوبن.
- 15 WOMAN: Uhuh. MAN: After that, a community group from the town will perform a play they've written themselves, just a short one.
اوه. / بعد از اون، یه گروه از شهر نمایشنامه‌ای که خودشون نوشتن رو اجرا می‌کنن، فقط یه نمایش کوتاه.

2 - Camb12-SECTION1-T2

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

2 - Camb12-SECTION1-T2

- 16 It's about Helen Tungate. I don't know if you've heard of her?
درباره هلن تونگیته. نمی دونم اسمش رو شنیدین یا نه؟
- 17 WOMAN: I certainly have. She was a scientist years ago.
مطمئنا شنیدم. او سالها پیش یه دانشمند بود.
- 18 MAN: That's right. She was born in Kenton exactly 100 years ago, so we're celebrating her centenary.
درسته. دقیقا ۱۰۰ سال پیش تو کنتون به دنیا اومد، پس ما صدمین سالگردش رو جشن می گیریم.
- 19 WOMAN: I'm a biologist, so I've always been interested in her.
من یه زیست شناس هستم و همیشه بهش علاقه مند بودم.
- 20 I didn't realise she came from Kenton.
من نمیدونستم که اهل کنتونه.
- 21 MAN: Yes. Well, all that will take place in the afternoon, and later, as the sun sets, there'll be a firework display.
بله. خب، همه ی اینها بعد از ظهر اتفاق میفته، و بعداً، با غروب خورشید، یه نمایش آتش بازی برگزار میشه.
- 22 You should go to the park to watch, as you'll get the best view from there, and the display takes place on the opposite side of the river.
شما باید برای تماشا به پارک برید، چون بهترین منظره رو از اونجا می بینید و همچنین نمایش طرف مقابل رودخونه برگزار میشه.
- 23 MAN: It's always one of the most popular events in the festival.
همیشه یکی از محبوب ترین برنامه های جشنوارهست.
- 24 WOMAN: Sounds great. And what's happening on the other days?
عالی به نظر میرسه. روزهای دیگه چه برنامه هایی دارین؟
- 25 MAN: There are several events that go on the whole time.
چندین رویداد وجود داره که در تمام مدت ادامه دارن.
- 26 For example, the students of the art college have produced a number of videos, all connected with relationships between children and their grandparents.
برای مثال، دانشجویان کالج هنر تعدادی ویدئو تهیه کردن که همگی مربوط به روابط بین کودکان و پدربزرگ و مادربزرگاشونه.
- 27 WOMAN: That sounds interesting. It makes a change from children and parents, doesn't it!
جالبه. این باعث ایجاد تغییر تو فرزندان و والدین میشه. اینطور نیست!
- 28 MAN: Exactly. Because the art college is in use for classes, throughout the festival, the videos are being shown in Handsworth House.
دقیقا. از اونجایی که کالج هنر برای کلاس ها استفاده میشه، در طول جشنواره، فیلم ها در خانه هندزورث نمایش داده میشن.
- 29 WOMAN: How do you spell the name?
اسمشو چطوری می نویسن؟
- 30 MAN: H-A-N-D-S-W-O-R-T-H. Handsworth House. It's close to the Town Hall.
H-A-N-D-S-W-O-R-T-H: خانه هندزورث. نزدیک شهرداریه.

2 - Camb12-SECTION1-T2

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

46

47

2 - Camb12-SECTION1-T2

- 31 WOMAN: Right. MAN: Now let me see, what else can I tell you about?
درسته. / بزارید ببینم، دیگه چی می تونم به شما بگم؟
- 32 WOMAN: Are there any displays of ballet dancing?
نمایش رقص باله هم هست؟
- 33 I'm particularly interested in that as I do it as a hobby.
من به طور خاصی بهش علاقه دارم چون به عنوان یه سرگرمی انجامش میدم.
- 34 MAN: There isn't any ballet, I'm afraid, but there'll be a demonstration of traditional dances from all round the country.
ببخشید. باله نداریم، ولی نمایش رقص های سنتی از سراسر کشور وجود داره.
- 35 WOMAN: Oh, that'd be nice. Where's that being held?
اوه، خوبه. کجا برگزار میشه؟
- 36 MAN: It's in the market in the town centre - the outdoor one, not the covered market.
تو بازار تو مرکز شهره - بازار بیرونی، نه بازار سرپوشیده.
- 37 And it's on at 2 and 5 every afternoon of the festival, apart from the first day.
و نمایش در ساعات ۲ و ۵ هر بعدازظهر به غیر از روز اول جشنواره برگزار میشه.
- 38 WOMAN: Lovely. I'm interested in all kinds of dancing, so I'm sure I'll enjoy that!
چه دوست داشتنی. من به همه نوع رقصی علاقه دارم، پس مطمئنم که بهم خوش می گذره!
- 39 MAN: Mmm. I'm sure you will. WOMAN: And I'd really like to go to some concerts, if there are any.
ممم. مطمئنم می گذره. / و من واقعاً دوست دارم چند تا کنسرت برم، اگه کنسرت داشته باشین.
- 40 MAN: Yes, there are several. Three performed by professionals, and one by local children.
بله، چند تا هست. سه تاش توسط حرفه‌ای‌ها و یکی توسط کودکان محلی اجرا میشه.
- 41 WOMAN: And where is it being held?
و کجا برگزار میشه؟
- 42 MAN: It's in the library, which is in Park Street. On the 18th, at 6.30 in the evening.
تو کتابخانه ای که تو خیابون پارکه. هجدهم ساعت ۶:۳۰ عصر.
- 43 WOMAN: I presume I'll need tickets for that.
فکر کنم باید بلیط تهیه کنم.
- 44 MAN: Yes, you can book online, or you can buy them when you arrive in Kenton, either at the festival box office, or from any shops displaying our logo in the windows.
بله، می تونید به صورت آنلاین بلیطتون رو رزرو کنید، یا می تونید وقتی به کنتون رسیدید اونا رو بخرید، یا از گیشه ی جشنواره، یا از هر مغازه ای که لوگوی ما رو روی ویترینش داره بلیط خودتون رو تهیه کنید.
- 45 WOMAN: Well, I think that'll keep me busy for the whole of my stay in Kenton. Thank you so much for all your help.
خب، فکر کنم اینا تو تمام مدت اقامتم تو کنتون سرمو گرم می کنن. به خاطر کمکتون خیلی متشکرم.
- 46 MAN: You're welcome. I hope you enjoy your stay.
خواهش می کنم. امیدوارم از اقامتتون لذت ببرید.
- 47 WOMAN: Thank you. Goodbye.
متشکرم. خداحافظ.

تمرین ۳ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

3 - Camb12-SECTION1-T3

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

3 - Camb12-SECTION1-T3

- 01 SUSIE: Hello? PAUL: Hi, Susie, it's Paul here. How are you?
سلام؟ سلام سوزی، پل هستم. حالت چطوره؟
- 02 Enjoying your new job? You're working at the library, aren't you?
از شغل جدیدت لذت می بری؟ تو کتابخونه کار می کنی، مگه نه؟
- 03 SUSIE: Yes. I started when the library re-opened a month ago. It's great.
آره. یک ماه پیش که کتابخانه دوباره بازگشایی شد کارم رو اونجا شروع کردم. عالیه.
- 04 PAUL: Actually Carol and I have been meaning to join for a while.
راستش من و کارول مدتی که قصد داریم عضو کتابخونه بشیم.
- 05 SUSIE: Oh, you should. It doesn't cost anything, and the new library has all sorts of facilities.
اوه، باید بشین. هیچ هزینه‌ای نداره و کتابخونه‌ی جدید همه جور امکاناتی هم داره.
- 06 It's not just a place where you borrow books.
اینجا فقط جایی واسه قرض گرفتن کتاب نیست.
- 07 For instance, there's an area with comfortable seats where you can sit and read the magazines they have there.
مثلا، یه جایی هست با صندلی‌های راحت که می‌تونن اونجا بشینن و مجلاتی که دارن رو بخونن.
- 08 Some people spend the whole morning there.
بعضی از مردم کل صبح رو اونجا می گذرونن.
- 09 PAUL: Mmm. Wish I had that amount of time to spend!
ممم. کاشکی اینقدر زمان داشتم.
- 10 SUSIE: Yes, you must be pretty busy at present, with the children and everything?
بله، به گمونم شما باید در حال حاضر خیلی مشغول بچه ها و چیزهای دیگه باشین؟
- 11 PAUL: We are, yes. But we're hoping to get away this summer.
هستیم، بله. ولی امیدواریم تابستان امسال آزادتر بشیم.
- 12 We're thinking of going to Greece.
داریم فکر می کنیم که بریم یونان.
- 13 SUSIE: Well, we've got a much larger section of the library devoted to travel books now, so you should come and have a look.
خب، ما یه بخش بزرگی از کتابخونه رو به کتاب‌های مربوط به سفر اختصاص دادیم، پس بهتره بیای و یه نگاه بیندازی.
- 14 I can't remember if there's anything specifically on Greece, but I should think so.
نمی‌تونم به خاطر بیارم که چیز خاصی در مورد یونان وجود داره یا نه، اما فکر می‌کنم که هست.
- 15 PAUL: OK. Now Carol's organising a project for the history class she teaches at school -
باشه. حالا کارول در حال راست و ریست کردن یه پروژه برای کلاس تاریخه که داره تو مدرسه تدریس می کنه-

3 - Camb12-SECTION1-T3

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

3 - Camb12-SECTION1-T3

- 16 it's about life in the town a hundred years ago.
 درباره زندگی صد سال پیش تو شهره.
- 17 Do you have anything that might be useful?
 چیزی دارید که ممکنه مفید باشه؟
- 18 SUSIE: Yes, actually we've now got a new section with materials on the history of the town and surrounding region
 بله، در واقع ما حالا بخش جدیدی با مطالبی در مورد تاریخ شهر و منطقه ی اطراف داریم.
- 19 PAUL: Right. I'll tell her. You can't always find that sort of thing on the internet.
 درست. من بهش میگم. شما همیشه نمی تونید چنین چیزایی تو اینترنت پیدا کنید.
- 20 Now in the old library there used to be a separate room with reference books.
 تو کتابخونه ی قدیمی اتاق جداگونه ای با کتاب های مرجع وجود داشت.
- 21 It was a really nice quiet room.
 اتاق واقعا ساکت و خوبی بود.
- 22 SUSIE: Yes. We've put those books in the main part of the library now,
 بله. حالا اون کتاب ها رو تو قسمت اصلی کتابخونه گذاشتیم،
- 23 but we do have a room called the community room.
 ولی اتاقی به اسم اتاق اجتماع داریم.
- 24 It can be hired out for meetings, but at other times people can use it to study.
 میشه اونو برای جلسات اجاره کرد، ولی در مواقع دیگه افراد می تونن ازش برای مطالعه استفاده کنن.
- 25 PAUL: I might use that. It's hard to find anywhere quiet at home sometimes.
 ممکنه ازش استفاده کنم. گاهی اوقات پیدا کردن جایی آروم تو خونه سخته.
- 26 SUSIE: I can't remember how old your son and daughter are ...
 یادم نیست پسر و دخترت چند سالشونه...
- 27 we've introduced a special section of fiction written specially for teenagers, but they might be a bit young for that?
 ما یه بخش ویژه از داستان های تخیلی رو معرفی کردیم که مخصوص نوجوونا نوشته شده، اما ممکنه اونا برای خوندن داستان های تخیلی کوچیک باشن.
- 28 PAUL: Yes, they would be
 آره. هستن.
- 29 SUSIE: Well, we do have lots of activities for younger children.
 خب، ما فعالیت های زیادی برای بچه های کوچیکتر داریم.
- 30 PAUL: Yes? SUSIE: For example we have a Science Club.
 بله؟ / مثلا ما یه باشگاه علمی داریم.

3 - Camb12-SECTION1-T3

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

3 - Camb12-SECTION1-T3

31 At the next meeting, they're going to be doing experiments with stuff that everyone has in the kitchen - sugar and flour and so on.

جلسه بعدی، اونا قراره با چیزایی که هر کسی تو آشپزخونه داره - شکر و آرد و چیزای دیگه - چند تا آزمایش انجام بدن.

32 PAUL: They might be interested, yes.

ممکنه خوششون بیاد، بله.

33 SUSIE: And we have a competition for children called Reading Challenge.

و ما یه مسابقه برای کودکان داریم به نام چالش خواندن.

34 That doesn't begin until after the end of term.

که تا قبل از پایان ترم شروع نمیشه.

35 They have to read six books, and they get a certificate if they manage it.

اونا باید شش کتاب بخونن و اگه موفق بشن، یه گواهینامه می گیرن.

36 PAUL: So that gives them something to do while they're on holiday, instead of getting bored.

این به اونا اجازه میده تا زمانی که تو تعطیلات هستن، یه کاری انجام بدن به جای اینکه کسل بشن.

37 SUSIE: That's the idea. And there's special activities for adults too.

ایده ی کلی اینه. و البته فعالیت های ویژه ای هم برای بزرگسالان وجود داره.

38 On Friday we have a local author called Tanya Streep who's going to be talking about her new novel.

روز جمعه یه نویسنده ی محلی به اسم تانیا استریپ داریم که قراره در مورد رمان جدیدش صحبت کنه.

39 It's called 'Catch the Mouse' and she based the story on a crime that actually took place here years ago.

اسمش «موش را بگیر» ه و بر اساس یه جنایتی که سال ها پیش اینجا رخ داد.

40 PAUL: Right. We're not free on Friday, but I'll look out for the book.

درسته. ما جمعه آزاد نیستیم، اما دورادور حواسم به این کتاب هست.

41 SUSIE: Now this probably isn't for you, but we do have IT support available for members.

حالا این احتمالاً به درد شما نمی خوره، ولی ما پشتیبانی فناوری اطلاعات هم برای اعضا داریم.

42 We get quite a few older people coming along who are wanting to get up to speed with computer technology.

تعدادی از افراد مسن رو می بینیم که می خوان سرعت زندگی شون با فناوری رایانه ای همتراز باشه.

43 It's on Tuesday mornings - they don't need to make an appointment or anything, they just turn up.

صبح های سه شنبه است - اونا نیازی به قرار ملاقات یا هیچ چیز دیگه ای ندارن. فقط حاضر میشن.

44 PAUL: Well, my mother might be interested, I'll let her know.

خب، مادرم ممکنه علاقه مند باشه. بهش اطلاع میدم.

45 SUSIE: OK. And there's another service which you wouldn't expect from a library, which is a free medical check-up.

باشه. و یه خدمات دیگه ای هم هست که از کتابخونه انتظارش رو ندارین، اونم معاینه ی پزشکی رایگانه.

3 - Camb12-SECTION1-T3

46

47

48

49

50

51

52

53

54

3 - Camb12-SECTION1-T3

- 46 The hospital arranges for someone to come along and measure the level of sugar in your blood, and they check cholesterol levels at the same time.
بیمارستان ترتیبی میدهند که یه نفر بیاد اینجا و همزمان سطح کلسترول و قند خونتون رو اندازه گیری کنه.
- 47 PAUL: Really? SUSIE: Yes, but that's only for the over-60s, so you wouldn't qualify.
واقعا؟ / بله، اما این فقط برای افراد بالای ۶۰ ساله، پس شما واجد شرایط نیستید.
- 48 PAUL: OK. Well, I'll tell my mother, she might be interested.
باشه. خب به مادرم میگم. شاید علاقه مند باشه.
- 49 SUSIE: What other information ... well, we do have a little shop with things like wallcharts and greetings cards, and also stamps
چه اطلاعات دیگه ای... خب، ما یه مغازه ی کوچیک با چیزهایی مثل نمودار دیواری و کارت تبریک و همچنین تمبر داریم.
- 50 so you can post the cards straightaway, which is really useful.
تا بتونید بلافاصله کارت ها رو پست کنید، که واقعا به درد بخوره.
- 51 PAUL: Yeah. Well, I'll bring the children round at the weekend and we'll join.
بله. خب، من بچه ها رو آخر هفته میارم و عضو مجموعه میشیم.
- 52 Oh, one more thing - I'll be bringing the car, is there parking available?
اوه، یه چیز دیگه - من ماشین میارم، پارکینگ در دسترسه؟
- 53 SUSIE: Yes, and it's free in the evening and at weekends.
بله، و تو شب و آخر هفته ها رایگانه.
- 54 PAUL: Perfect. Well, thanks, Susie see you...
عالیه. خب، ممنون، سوزی میبینمت...

تمرین ۴ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

4 - Camb12-SECTION1-T4

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

4 - Camb12-SECTION1-T4

- 01 BOB: Hello, Pembroke Cycling Holidays, Bob's speaking.
سلام، مرکز تعطیلات دوچرخه سواری پمبروک. باب هستم.
- 02 MARGARET: Oh hello. I've seen your advert for people to lead cycle trips.
اوه سلام. من آگهی شما رو برای هدایت سفرهای دوچرخه سواری دیدم.
- 03 Are you the right person to speak to?
شما شخصی هستین که باید باهاش صحبت کنم؟
- 04 BOB: Yes, I am. Could I have your name, please?
بله، من هستم. می تونم بپرسم اسمتون چیه لطفا؟
- 05 MARGARET: It's Margaret Smith.
مارگارت اسمیت.
- 06 BOB: Are you looking for a permanent job, Margaret?
دنبال یه کار دائمی می گردی، مارگارت؟
- 07 MARGARET: No, temporary. I've got a permanent job starting in a few months' time, and I want to do something else until then.
نه، موقتی. من یه کار دائمی دارم که از چند ماه دیگه شروع میشه و تا اون موقع می خوام یه کاری انجام بدم.
- 08 BOB: What work do you do?
کارت چیه؟
- 09 MARGARET: This will probably sound crazy –
احتمالاً احمقانه به نظر بیاد-
- 10 I used to be a lawyer, and then I made a complete career change and I'm going to be a doctor.
من قبلاً وکیل بودم و بعد کلاً مسیر شغلیم رو عوض کردم و قراره دکتر بشم.
- 11 I've just finished my training.
من تازه کارآموزیم رو تموم کردم.
- 12 BOB: Right. And have you had any experience of leading cycle trips?
درسته. و آیا تجربه ای از رهبری سفرهای دوچرخه‌ای داری؟
- 13 MARGARET: Yes, I've led several bike tours in Africa.
بله، من چندین تور دوچرخه سواری رو تو آفریقا رهبری کرده ام.
- 14 The trip to India that I had arranged to lead next month has now been cancelled,
سفری که به هند برای رهبری تو ماه آینده ترتیب داده بودم، لغو شده.
- 15 so when I saw you were advertising for tour leaders, I decided to apply.
وقتی دیدم شما برای جذب تور لیدر تبلیغ می کنید، تصمیم گرفتم درخواست بدم.

4 - Camb12-SECTION1-T4

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

4 - Camb12-SECTION1-T4

- 16 BOB: OK. Now we normally have two or three leaders on a trip, depending on the size of the group.
باشه. ما معمولاً بسته به اندازه ی گروه دو یا سه لیدر تو سفر داریم.
- 17 Some tours are for very experienced cyclists, but we've got a tour coming up soon in Spain, which is proving so popular we need an additional leader.
برخی از تورها برای دوچرخه سواری بسیار باتجربه هستن، ولی به زودی یه تور تو اسپانیا داریم که خیلی محبوبه و ما به یه رهبر اضافی نیاز داریم.
- 18 It's a cycling holiday for families. Would that suit you?
یه تعطیلات دوچرخه سواری برای خانواده هاست. برات مناسبه؟
- 19 MARGARET: It certainly would. I enjoy working with children, and I probably need some more experience before I go on a really challenging trip.
مطمئناً همینطور. من از کار با بچه ها لذت می برم و احتمالاً قبل از رفتن به یه سفر واقعاً چالش برانگیز به تجربه ی بیشتری نیاز دارم.
- 20 BOB: That tour includes several teenagers: have you worked with that age group before?
اون تور شامل چند نوجوون هم میشه: قبلاً با این گروه سنی کار کردین؟
- 21 MARGARET: Yes, I'm a volunteer worker in a youth club, where I help people to improve their cycling skills.
بله، من یه کارمند داوطلب تو یه باشگاه جوانان هستم. جایی که به مردم کمک می کنم تا مهارت های دوچرخه سواری خودشون رو بهترکنن.
- 22 Before that I helped out in a cycling club where I taught beginners.
قبل از اون تو یه باشگاه دوچرخه سواری بودم که به دوچرخه سواری مبتدی آموزش می دادم.
- 23 BOB: Well that's great. Now the trip I mentioned is just for a fortnight, but there might be the possibility of leading other tours after that.
خب این عالیه. در حال حاضر سفری که گفتم فقط برای دو هفتهست، اما ممکنه بعد از اون امکان هدایت تورهای دیگه هم وجود داشته باشه.
- 24 Would that fit in with your plans?
با برنامه های شما جور در میاد؟
- 25 MARGARET: That'd be fine. I'll be free for five months.
خیلی خوبه. من برای پنج ماه آزادم.
- 26 My job is due to start on October the 2nd, and I'm available from May the 1st until late September.
کار من قراره از ۲ اکتبر شروع بشه و از ۱ می تا اواخر سپتامبر آزاد هستم.
- 27 BOB: Good. Now is there anything I need to know about the food you eat?
خب. آیا چیزی هست که من باید در مورد غذایی که میخورید بدونم؟
- 28 We usually have one or two people in the group who don't eat meat, or have some sort of food allergy, so we're always very careful about that.
ما معمولاً یکی دو نفر تو گروه داریم که گوشت نمیخورن یا یه نوع آلرژی غذایی دارن، پس همیشه در مورد اونا خیلی مراقب هستیم.
- 29 MARGARET: Yes, I'm allergic to cheese. Would that be a problem?
بله، من به پنیر حساسیت دارم. این مشکل ایجاد می کنه؟
- 30 BOB: No, as long as we have enough notice, we can deal with that.
نه، تا زمانی که حواسمون بهش باشه، می تونیم باهاش کنار بیایم.

4 - Camb12-SECTION1-T4

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

46

47

48

4 - Camb12-SECTION1-T4

- 31 MARGARET: That's great. It sounds really interesting.
این عالی‌ه. واقعا جالب به نظر می‌رسه.
- 32 Would you like me to fill in an application form?
می‌خواهید فرم درخواست رو پر کنم؟
- 33 BOB: Yes, please. Where should I post it to?
بله، لطفاً. کجا باید پستش کنم؟
- 34 MARGARET: Could you send it to 27 Arbutnot Place - A-R-B-U-T-H-N-O-T - Place, Dumfries.
می‌تونید ارسالش کنید به " ۲۷ Arbutnot Place - A-R-B-U-T-H-N-O-T - Place, Dumfries".
- 35 BOB: And what's the postcode, please?
و کدپستی تون چیه لطفاً؟
- 36 MARGARET: DG7 4PH.
کد پستی: DG7 4PH.
- 37 BOB: Was that P Papa or B Bravo? MARGARET: P Papa.
با پی پاپا(بابا) نوشته میشه یا بی براوو(آفرین)؟ / پی پاپا(بابا).
- 38 BOB: Got that. If you could return the application form by Friday this week, we can interview you on Tuesday next week.
متوجه شدم. اگر بتونید فرم درخواست رو تا جمعه این هفته برگردونید، می‌تونیم سه شنبه ی هفته آینده از شما مصاحبه بگیریم.
- 39 Say half past two. Would that be possible for you?
ساعت دو و نیم. براتون مقدوره؟
- 40 MARGARET: Yes, it's fine. You're quite a long way from where I live, so I'll drive over on Monday.
بله، خوبه. شما خیلی با محل زندگی من فاصله دارین پس دوشنبه با ماشین میام.
- 41 Should I bring anything to the interview?
چیزی هم باید برای مصاحبه با خودم بیارم؟
- 42 BOB: We'll have your application form, of course, but we'll need to see any certificates you've got that are relevant, in cycling, first aid, or whatever. MARGARET: OK.
البته ما فرم درخواست شما رو می‌خواهیم، ولی هر گواهینامه‌ای که مرتبط با دوچرخه‌سواری، کمک‌های اولیه یا هر چیز دیگه‌ای که دارید رو لازمه ببینیم. / باشه.
- 43 BOB: And at the interview we'd like to find out about your experience of being a tour guide,
و تو مصاحبه مایلیم در مورد تجربه‌ی شما بعنوان یه تور لیدر بدونیم،
- 44 so could you prepare a ten-minute talk about that, please?
پس لطفاً می‌تونید یه سخنرانی ده دقیقه‌ای در موردش آماده کنید؟
- 45 You don't need slides or any complicated equipment - just some notes.
شما به اسلاید یا تجهیزات پیچیده‌ای نیاز ندارین - فقط چندتا یادداشت.
- 46 MARGARET: Right. I'll start thinking about that straightaway!
باشه. من فوراً درموردش فکر می‌کنم.
- 47 BOB: Good. Well, we'll look forward to receiving your application form, and we'll contact you to confirm the interview.
خوبه. خب، مشتاقانه منتظر دریافت فرم درخواست شما هستیم و برای تایید مصاحبه با شما تماس می‌گیریم.
- 48 MARGARET: Thanks very much. BOB: Thank you, Margaret. Goodbye. MARGARET: Bye.
خیلی ممنون. / ممنون مارگارت. خداحافظ. / خداحافظ.

تمرین ۵ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

5 - Camb13-SECTION1-T1

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

5 - Camb13-SECTION1-T1

- 01 OFFICIAL: Hello, Tourist Information Centre, Mike speaking, how can I help you?
سلام، مرکز اطلاعات توریستی، مایک صحبت می کنه. چطور می تونم بهتون کمک کنم؟
- 02 WOMAN: Oh, hi. I wanted to find out about cookery classes.
اوه، سلام. می خواستم در مورد کلاس های آشپزی بدونم.
- 03 I believe there are some one-day classes for tourists?
فکر می کنم چند تا کلاس یه روزه برای گردشگرا وجود داره.
- 04 OFFICIAL: Well, they're open to everyone, but tourists are always welcome.
خب، همه می تونن تو اون کلاس شرکت کنن، ولی همیشه از گردشگرا استقبال میشه.
- 05 OK, let me give you some details of what's available.
باشه، بزارین جزئیاتی از اونچه داریم بهتون بگم.
- 06 There are several classes. One very popular one is at the Food Studio. WOMAN: OK.
چندین کلاس وجود داره. یکی از محبوب ترین اونا تو استودیو غذاست. / باشه.
- 07 OFFICIAL: They focus on seasonal products, and as well as teaching you how to cook them, they also show you how to choose them.
اونا روی محصولات فصلی تمرکز دارن و علاوه بر آموزش نحوه ی پختشون، نحوه ی انتخاب اونا رو هم به شما نشون میدن.
- 08 WOMAN: Right, that sounds good. How big are the classes?
درسته. به نظر خوب میرسه. اندازه ی کلاس ها چقدره؟
- 09 OFFICIAL: I'm not sure exactly, but they'll be quite small.
دقیقاً مطمئن نیستم، اما اونا خیلی کوچیک هستن.
- 10 WOMAN: And could I get a private lesson there?
و می تونم اونجا کلاس خصوصی بگیرم؟
- 11 OFFICIAL: I think so ... let me check, yes, they do offer those.
فکر می کنم میشه... اجازه بدین بررسی کنم، بله، اونا این موارد رو ارائه دادن.
- 12 Though in fact most of the people who attend the classes find it's a nice way of getting to know one another.
اگرچه در واقع بیشتر افرادی که تو کلاس ها شرکت می کنن، این رو راه خوبی برای آشنایی با همدیگه می دونن.
- 13 WOMAN: I suppose it must be, yes.
فکر می کنم باید همینطور باشه، بله.
- 14 OFFICIAL: And this company has a special deal for clients where they offer a discount of 20 percent if you return for a further class.
و این شرکت یه تعرفه ی ویژه برای مشتریا داره که در صورت برگشتن برای کلاس بعدی، ۲۰ درصد تخفیف ارائه میده.
- 15 WOMAN: OK. But you said there were several classes?
باشه. اما شما گفتید چند نوع کلاس وجود داره؟

5 - Camb13-SECTION1-T1

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

5 - Camb13-SECTION1-T1

- 16 OFFICIAL: That's right. Another one you might be interested in is Bond's Cookery School.
درسته. یکی دیگه از مواردی که ممکنه بهش علاقه مند باشید، مدرسه‌ی آشپزی بانده.
- 17 They're quite new, they just opened six months ago, but I've heard good things about them.
اونا گروه کاملاً جدیدی هستن. تازه شش ماه پیش کارشون رو شروع کردن، ولی من چیزای خوبی در موردشون شنیدم.
- 18 They concentrate on teaching you to prepare healthy food, and they have quite a lot of specialist staff.
اونا روی آموزش شما برای تهیه‌ی یه غذای سالم تمرکز دارن و کارکنان متخصص خیلی زیادی دارن.
- 19 WOMAN: So is that food for people on a diet and things like that?
پس این نوع غذا برای افرادی که رژیم دارن و از این قبیل چیزاست؟
- 20 I don't know if I'd be interested in that.
نمی دونم ازش خوشم میاد یا نه.
- 21 OFFICIAL: Well, I don't think they particularly focus on low calorie diets or weight loss.
خب، فکر نمی کنم به طور اختصاصی روی رژیم های کم کالری یا کاهش وزن تمرکز کنن.
- 22 It's more to do with recipes that look at specific needs, like including ingredients that will help build up your bones and make them stronger, that sort of thing.
این بیشتر مربوط به دستور پخت‌هاییه که به نیازهای خاص توجه دارن، مثل ترکیباتی که به ساختن استخوان‌های شما و قوی تر شدن اونا کمک می‌کنن، همچین چیزایی.
- 23 WOMAN: I see. Well, I might be interested, I'm not sure.
متوجهم. خب، شاید خوشم بیاد. مطمئن نیستم.
- 24 Do they have a website I could check?
وب سایتی هم دارن که بتونم چک کنم؟
- 25 OFFICIAL: Yes, just key in the name of the school - it'll come up.
بله، فقط اسم مدرسه رو بنویسید-میاد بالا.
- 26 And if you want to know more about them, every Thursday evening they have a lecture at the school.
و اگر می‌خواید بیشتر در مورد اونا بدونین، هر پنجشنبه عصر اونا یه سخنرانی تو مدرسه دارن.
- 27 It's free and you don't need to book or anything, just turn up at 7.30.
مجانیه و نیازی به رزرو یا چیز دیگه ای نداره. فقط ساعت ۷:۳۰ اونجا باش.
- 28 And that might give you an idea of whether you want to go to an actual class.
و این ممکنه به شما این ایده رو بده که می‌خواید به یه کلاس واقعی برید یا نه.
- 29 OFFICIAL: OK, there's one more place you might be interested in.
خب، یه جای دیگه هم هست که ممکنه دوست داشته باشید اونجا باشید.
- 30 That's got a rather strange name, it's called The Arretsa Centre - that's spelled A-R-R-E-T-S-A.
WOMAN: OK.
اسم نسبتاً عجیبی داره، بهش The Arretsa Center می‌گن - که به شکل A-R-R-E-T-S-A هجی میشه. / باشه.

5 - Camb13-SECTION1-T1

31

32

33

34

35

36

37

38

39

5 - Camb13-SECTION1-T1

- 31 OFFICIAL: They've got a very good reputation.
 اونا شهرت خیلی خوبی دارن.
- 32 They do a bit of meat and fish cookery but they mostly specialise in vegetarian dishes.
 کمی آشپزی با گوشت و ماهی در دستور کارشون هست ولی بیشتر تو غذاهای گیاهی تخصص دارن.
- 33 WOMAN: Right. That's certainly an area I'd like to learn more about.
 درسته. مطمئناً این حوزه ایه که می خوام بیشتر در موردش یاد بگیرم.
- 34 I've got lots of friends who don't eat meat.
 من دوستای زیادی دارم که گوشت نمی خورن.
- 35 In fact, I think I might have seen that school today. Is it just by the market?
 راستش، به گمانم امروز اون مدرسه رو دیدم. نزدیک بازاره؟
- 36 OFFICIAL: That's right. So they don't have any problem getting their ingredients.
 درسته. پس مشکلی برای تهیهی مواد اولیهشون ندارن.
- 37 They're right next door. And they also offer a special two-hour course in how to use a knife.
 اونا دقیقاً همسایهی کناری ما هستن. و یه دورهی دو ساعته ویژه در مورد نحوهی استفاده از چاقو هم ارائه میدن.
- 38 They cover all the different skills – buying them, sharpening, chopping techniques. It gets booked up quickly though so you'd need to check it was available.
 اونا تمام مهارت‌های مختلف رو پوشش میدن - خرید چاقوها، تیز کردن، تکنیک‌های خرد کردن. اما این دوره به سرعت رزرو میشه، پس باید چک کنید که جا داشته باشن.
- 39 WOMAN: Right, well thank you very much. I'll go and...
 درسته، خیلی ممنون. من میرم و...

تمرین ۶ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

6 - Camb13-SECTION1-T2

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

6 - Camb13-SECTION1-T2

- 01 JIM: Hello, South City Cycling Club.
سلام، باشگاه دوچرخه سواری جنوب شهر.
- 02 WOMAN: Oh, hi. Er ... I want to find out about joining the club.
اوه، سلام. امممم ... من می خوام در مورد عضو شدن تو باشگاه اطلاعاتی کسب کنم.
- 03 JIM: Right. I can help you there. I'm the club secretary and my name's Jim Hunter.
درسته. من میتونم تو این زمینه کمکتون کنم. من منشی باشگاه هستم و اسمم جیم هانتیره.
- 04 WOMAN: Oh, hi Jim.
اوه، سلام جیم.
- 05 JIM: So, are you interested in membership for yourself?
خب، خودتون علاقه دارید که عضو بشید؟
- 06 WOMAN: That's right.
درسته.
- 07 JIM: OK. Well there are basically two types of adult membership.
باشه. خب اساساً دو نوع عضویت بزرگسالان وجود داره.
- 08 If you're pretty serious about cycling, there's the Full membership.
اگه در مورد دوچرخه سواری خیلی جدی هستین، یه عضویت کامل وجود داره.
- 09 That costs 260 dollars and that covers you not just for ordinary cycling but also for races both here in the city and also in other parts of Australia.
هزینه ی اون ۲۶۰ دلار و شما رو نه تنها برای دوچرخه سواری معمولی، بلکه برای مسابقات تو این شهر و سایر نقاط استرالیا آماده می کنه.
- 10 WOMAN: Right. Well, I'm not really up to that standard.
درسته. خب، من واقعاً در اون حد نیستم.
- 11 I was more interested in just joining a group to do some cycling in my free time.
من بیشتر علاقه مند بودم که فقط به گروهی ملحق بشم تا تو اوقات فراغتم یه کم دوچرخه سواری کنم.
- 12 JIM: Sure. That's why most people join.
حتماً. بیشتر مردم به همین دلیل عضو میشن.
- 13 So, in that case you'd be better with the Recreational membership.
بنابراین، در این صورت عضویت تفریحی برای شما بهتره.
- 14 That's 108 dollars if you're over 19, and 95 dollars if you're under.
اگه بالای ۱۹ سال دارید ۱۰۸ دلار و اگه زیر ۱۸ هستین ۹۵ دلار.
- 15 WOMAN: I'm 25.
من ۲۵ سالمه.

6 - Camb13-SECTION1-T2

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

6 - Camb13-SECTION1-T2

- 16 JIM: OK. It's paid quarterly, and you can upgrade it later to the Full membership if you want to, of course.
باشه. پرداخت به صورت هر چهار ماه یکبار هست، و البته اگه بخواهید، می تونید بعداً اون رو به عضویت کامل ارتقا بدین.
- 17 Now both types of membership include the club fee of 20 dollars.
در حال حاضر هزینه ی هر دو نوع عضویت باشگاه ۲۰ دلار.
- 18 They also provide insurance in case you have an accident, though we hope you won't need that, of course.
اونا همچنین در صورت تصادف شما رو بیمه می کنن، البته امیدواریم که بهش نیاز نداشته باشید.
- 19 WOMAN: No. OK, well, I'll go with the Recreational membership, I think.
نه. خوبه، خب، فکر کنم عضویت تفریحی رو انتخاب می کنم.
- 20 And that allows me to join in the club activities, and so on?
و این نوع به من اجازه میده که تو فعالیت های باشگاه و چیزای دیگه شرکت کنم؟
- 21 JIM: That's right. And once you're a member of the club, you're also permitted to wear our kit when you're out cycling. It's green and white.
درسته. و وقتی که عضو باشگاه شدید، می تونید موقع دوچرخه سواری از لباس مخصوص ما که سبز و سفید استفاده کنید.
- 22 WOMAN: Yes, I've seen cyclists wearing it.
بله، من دوچرخه سوارایی رو دیدم که پوشیدنش.
- 23 So, can I buy that at the club?
پس، می تونم تو باشگاه بخرمش؟
- 24 JIM: No, it's made to order by a company in Brisbane.
نه، به سفارش ما توسط یه شرکت تو بریزین ساخته شده.
- 25 You can find them online: they're called Jerriz. That's J-E-R-R-I-Z.
می تونید اونا رو به صورت آنلاین پیدا کنید: اسم اونا جرریزه. این J-E-R-R-I-Z است.
- 26 You can use your membership number to put in an order on their website.
می تونید از شماره عضویت خودتون برای ثبت سفارش تو وب سایت اونا استفاده کنید.
- 27 WOMAN: OK. Now, can you tell me a bit about the rides I can do?
باشه. حالا می تونید کمی در مورد پروسه ی سواری هایی که می تونم انجام بدم به من بگید؟
- 28 JIM: Sure. So we have training rides pretty well every morning, and they're a really good way of improving your cycling skills as well as your general level of fitness.
مطمئناً. ما تقریباً هر روز صبح سواری های تمرینی بسیار خوبی داریم، و راه خیلی خوبی برای بهبود مهارت های دوچرخه سواری و همچنین سطح عمومی تناسب اندام شما هستن.
- 29 But they're different levels. Level A is pretty fast - you're looking at about 30 or 35 kilometres an hour.
اما اونا تو سطوح مختلفی هستن. سطح A خیلی سریعه - شما به سرعت ۳۰ یا ۳۵ کیلومتر در ساعت می رسید.
- 30 If you can do about 25 kilometres an hour, you'd probably be level B, and then level C are the novices, who stay at about 15 kilometres per hour.
اگه بتونید به حدود ۲۵ کیلومتر در ساعت برسید، احتمالاً سطح B هستید و بعدش هم سطح C که تازه کارا هستن که به حدود ۱۵ کیلومتر در ساعت میرسن.

6 - Camb13-SECTION1-T2

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

6 - Camb13-SECTION1-T2

- 31 WOMAN: Right. Well I reckon I'd be level B.
درسته. خب، من فکر کنم سطح B هستم.
- 32 So, when are the sessions for that level?
خب، کی جلسات برای اون سطح برگزار میشه؟
- 33 JIM: There are a couple each week. They're both early morning sessions.
هر هفته چندتا داریم. هر دو جلسه اول صبح هستن.
- 34 There's one on Tuesdays, and for that one you meet at 5.30 am, and the meeting point's the stadium
یکیش سه‌شنبه‌هاست، و ساعت ۵:۳۰ صبح باید اونجا باشی و محل ملاقات هم استادیومه—
- 35 do you know where that is?
میدونی کجاست؟
- 36 WOMAN: Yes, it's quite near my home, in fact.
بله، در واقع نزدیک خونمه.
- 37 OK, and how about the other one?
خب، و اون یکی چطور؟
- 38 JIM: That's on Thursdays. It starts at the same time, but they meet at the main gate to the park.
اون هم پنجشنبه‌هاست و همون موقع شروع میشه، اما محل ملاقات تو دروازه‌ی اصلی پارکه.
- 39 WOMAN: Is that the one just past the shopping mall? JIM: That's it.
اون یکیه که دقیقا بعد از مرکز خریده؟ / خودشه.
- 40 WOMAN: So how long are the rides?
دوچرخه سواری ها چقدر طول می کشن؟
- 41 JIM: They're about an hour and a half.
حدود یه ساعت و نیم هستن.
- 42 So, if you have a job it's easy to fit in before you go to work.
پس، اگر شغل دیگه ای دارید، قبل از رفتن سر کار، به راحتی می تونید اونو جابجا کنید.
- 43 And the members often go somewhere for coffee afterwards, so it's quite a social event.
اعضا اغلب بعد از دوچرخه‌سواری برای خوردن قهوه میرن به جایی، پس میشه گفت این یه رویداد کاملاً اجتماعیه.
- 44 WOMAN: OK. That sounds good. I've only just moved to the city so I don't actually know many people yet.
باشه. به نظر خوب میاد. من تازه به شهر نقل مکان کردم و هنوز افراد زیادی را نمی‌شناسم.
- 45 JIM: Well, it's a great way to meet people.
خب، این یه راه عالی برای ملاقات با مردمه.

6 - Camb13-SECTION1-T2

46

47

48

49

50

51

52

53

54

55

56

57

6 - Camb13-SECTION1-T2

- 46 WOMAN: And does each ride have a leader?
و هر دوره ی دوچرخه سواری یه رهبر داره؟
- 47 Sometimes, but not always. But you don't really need one; the group members on the ride support one another, anyway.
گاهی اوقات، ولی نه همیشه. اما شما واقعاً به یه رهبر نیاز ندارید. به هر حال اعضای گروه در حال سواری از همدیگه حمایت می کنن.
- 48 WOMAN: How would we know where to go?
چطور بدونیم کجا بریم؟
- 49 If you check the club website, you'll see that the route for each ride is clearly marked.
اگه وب سایت باشگاه رو بررسی کنین، می بینید که مسیر هر سواری به وضوح مشخص شده.
- 50 So you can just print that out and take it along with you.
پس می تونید اونو پرینت بگیرید و با خودتون ببرید.
- 51 It's similar from one week to another, but it's not always exactly the same.
هر هفته شبیه همه، ولی همیشه دقیقاً یکسان نیست.
- 52 WOMAN: And what do I need to bring?
و چی باید با خودم بیارم؟
- 53 Well, bring a bottle of water, and your phone.
خب، یه بطری آب و تلفنتون رو با خودتون بیارید.
- 54 You shouldn't use it while you're cycling, but have it with you. WOMAN: Right.
نباید موقع دوچرخه سواری ازش استفاده کنید، ولی با خودتون داشته باشیدش. / درسته.
- 55 And in winter, it's well before sunrise when we set out, so you need to make sure your bike's got lights.
و تو زمستون، وقتی که راه می افتیم، قبل از طلوع آفتابه، پس مطمئن شید که دوچرخه شما چراغ داره.
- 56 WOMAN: That's OK. Well, thanks Jim. I'd definitely like to join.
اشکالی نداره. خب ممنون جیم. من قطعاً دوست دارم عضو بشم.
- 57 So what's the best way of going about it? JIM: You can...
پس بهترین راه برای انجامش چیه؟ / تو میتونی...

تمرین ۷ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

7 - Camb13-SECTION1-T3

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

7 - Camb13-SECTION1-T3

01 LINDA: Hello, Linda speaking.

سلام، لیندا صحبت می کنه.

02 MATT: Oh hi, Linda. This is Matt Brooks. Alex White gave me your number.

اوه سلام، لیندا. من مت بروکس هستم. الکس وایت شماره شما رو به من داد.

03 He said you'd be able to give me some advice about moving to Banford.

او گفت تو می تونی در مورد نقل مکان به بانفورد به من مشاوره بدی.

04 LINDA: Yes, Alex did mention you. How can I help?

آره، الکس از شما گفت. چطور می تونم کمک کنم؟

05 MATT: Well, first of all - which area do you live in?

خب، اول از همه - تو کدوم منطقه زندگی می کنی؟

06 LINDA: Well, I live in Dalton, which is a really nice suburb - not too expensive, and there's a nice park.

خب، من تو دالتون زندگی می کنم، که حومه ی شهر واقعاً خوبیه - خیلی گرون نیست، و پارک خوبی هم داره.

07 MATT: Sounds good. Do you know how much it would be to rent a two bedroom flat there?

خوب به نظر می رسه. می دونی اونجا اجاره ی یه آپارتمان دو خوابه چقدره؟

08 LINDA: Yeah, you should be able to get something reasonable for 850 pounds per month.

آره، میشه که یه چیز معقول با ۸۵۰ پوند در ماه گیرتون بیاد.

09 That's what people typically pay.

این یه نرخ معمولیه که مردم پرداخت می کنن.

10 You certainly wouldn't want to pay more than 900 pounds.

مطمئناً نمی خواهید که بیشتر از ۹۰۰ پوند بپردازید.

11 That doesn't include bills or anything.

این شامل صورتحساب یا هر چیز دیگه ای نمیشه.

12 MATT: No. That sounds alright. I'll definitely have a look there.

نه. خوبه. حتماً یه نگاهی به اونجا میندازم.

13 Are the transport links easy from where you live?

آیا رفت و آمد از محل زندگی شما آسونه؟

14 LINDA: Well, I'm very lucky.

خب، من خیلی خوش شانسم.

15 I work in the city centre so I don't have to use public transport.

من تو مرکز شهر کار می کنم پس مجبور نیستم از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنم.

7 - Camb13-SECTION1-T3

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

7 - Camb13-SECTION1-T3

- 16 I go by bike.
من با دوچرخه میرم.
- 17 MATT: Oh, I wish I could do that. Is it safe to cycle around the city?
اوه، ای کاش می تونستم این کار رو انجام بدم. دوچرخه سواری تو سطح شهر امنه؟
- 18 LINDA: Yes, it's fine. And it keeps me fit.
آره، خوبه. و منو خوش اندام نگه میداره.
- 19 Anyway, driving to work in the city centre would be a nightmare because there's hardly any parking.
به هر حال، رانندگی تا محل کار تو مرکز شهر یک کابوسه، چون به سختی میشه پارکینگ پیدا کرد.
- 20 And the traffic during the rush hour can be bad.
و ترافیک تو ساعات شلوغی ممکنه بد باشه.
- 21 MATT: I'd be working from home but I'd have to go to London one or two days a week.
من تو خونه کار (دور کاری می کنم) می کنم اما باید یک یا دو روز تو هفته به لندن برم.
- 22 LINDA: Oh, that's perfect. Getting to London is no problem.
اوه، عالییه. برای رسیدن به لندن مشکلی وجود نداره.
- 23 There's a fast train every 30 minutes which only takes 45 minutes. MATT: That's good.
هر ۳۰ دقیقه یه قطار سریع هست که فقط ۴۵ دقیقه طول می کشه تا به لندن برسه. / خوبه.
- 24 LINDA: Yeah, the train service isn't bad during the week.
آره، خدمات قطار در طول هفته بد نیست.
- 25 And they run quite late at night.
و تقریباً تا آخر شب هستن.
- 26 It's weekends that are a problem.
آخر هفته هاست که مشکل پیش میاد.
- 27 They're always doing engineering work and you have to take a bus to Hadham and pick up the train there, which is really slow.
اونا همیشه در حال انجام کارهای مهندسی هستن و تو باید با اتوبوس به هَدَهَم بری و از اونجا سوار قطاری بشی که خیلی کنده.
- 28 But other than that, Banford's a great place to live.
اما اینا به کنار، بانفورد یه جای عالی برای زندگیه.
- 29 I've never been happier.
من هرگز شادتر از این نبوده ام.
- 30 LINDA: There are some nice restaurants in the city centre and a brand new cinema which has only been open a couple of months.
چند رستوران خوب و یه سینمای کاملاً جدید تو مرکز شهر وجود داره که تنها چند ماهه که باز شده.

7 - Camb13-SECTION1-T3

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

46

47

48

49

50

7 - Camb13-SECTION1-T3

- 31 There's a good arts centre too.
یه مرکز هنری خوب هم هست.
- 32 MATT: Sounds like Banford's got it all.
به نظر می‌رسه که بانفورد همه چیز تمومه.
- 33 LINDA: Yes! We're really lucky. There are lots of really good aspects to living here.
بله! ما واقعا خوش شانسیم. دلایل واقعا خوب زیادی برای زندگی کردن تو اینجا وجود داره.
- 34 The schools are good and the hospital here is one of the best in the country.
مدارس اینجا خوبن و بیمارستان اینجا یکی از بهترین های کشوره.
- 35 Everyone I know who's been there's had a positive experience.
هر کسی که من می‌شناسم و اونجا بوده، تجربه مثبتی داشته.
- 36 Oh, I can give you the name of my dentist too in Bridge Street, if you're interested.
اوه، اگه علاقه داشته باشید، می‌تونم اسم دندان‌پزشکم رو که تو خیابون بریج هست بهتون بدم.
- 37 I've been going to him for years and I've never had any problems. MATT: Oh, OK. Thanks!
سالهاست که پیشش میرم و تا حالا هیچ مشکلی نداشتم. / اوه، باشه. ممنونم.
- 38 LINDA: I'll find his number and send it to you.
شمارش رو پیدا می‌کنم و برات می‌فرستم.
- 39 MATT: Thanks, that would be really helpful.
متشکرم، واقعا کمک می‌کنه.
- 40 LINDA: Are you planning to visit Banford soon?
قصد دارید به زودی از بانفورد دیدن کنید؟
- 41 MATT: Yes. My wife and I are both coming next week.
بله. من و همسرم هفته‌ی آینده میایم.
- 42 We want to make some appointments with estate agents.
می‌خوایم با مشاورین املاک چند تا قرار ملاقات بزاریم.
- 43 LINDA: I could meet you if you like and show you around.
اگه دوست داشتی می‌تونم بینمتون و اطراف رو بهتون نشون بدم.
- 44 MATT: Are you sure? We'd really appreciate that.
مطمئنی؟ ما واقعا قدردان شما خواهیم بود.
- 45 LINDA: Either a Tuesday or Thursday is good for me, after 5.30.
سه‌شنبه یا پنج‌شنبه بعد از ساعت ۵:۳۰ برای من خوبه.
- 46 MATT: Thursday's preferable - Tuesday I need to get home before 6 pm.
پنج‌شنبه بهتره - سه‌شنبه باید قبل از ساعت ۶ عصر برگردم خونه.
- 47 LINDA: OK. Great. Let me know which train you're catching and I'll meet you in the café outside.
باشه. عالیه. به من بگو با کدوم قطار میایی تا شما رو تو کافه‌ی بیرون ایستگاه ملاقات کنم.
- 48 You can't miss it. It's opposite the station and next to the museum.
محاله پیداش نکنی. روبروی ایستگاه و کنار موزست.
- 49 MATT: Brilliant. I'll text you next week then. Thanks so much for all the advice.
محشره. پس هفته دیگه بهتون پیام میدم. خیلی ممنون برای همه‌ی توصیه‌ها.
- 50 LINDA: No problem. I'll see you next week.
خواهش میکنم. هفته آینده می‌بینمت.

تمرین ۸ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

8 - Camb13-SECTION1-T4

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

8 - Camb13-SECTION1-T4

- 01 MARTHA: Hi Alex. It's Martha Clines here. James White gave me your number.
سلام الکس. مارتا کلاینز هستم. جیمز وایت شماره شما رو به من داد.
- 02 I hope you don't mind me calling you.
امیدوارم با تماسی که گرفتم مزاحمتون نشده باشم.
- 03 ALEX: Of course not. How are you, Martha?
البته که نه. حالت چطوره مارتا؟
- 04 MARTHA: Good thanks. I'm ringing because I need a bit of advice.
خیلی ممنون. زنگ زدم چون نیاز به راهنمایی دارم.
- 05 ALEX: Oh yeah. What about?
اوه بله. در مورد چی؟
- 06 MARTHA: The training you did at JPNW a few years ago.
آموزشی که چند سال پیش در JPNW داشتی.
- 07 I'm applying for the same thing.
دارم برای همون کار درخواست میدم.
- 08 ALEX: Oh right. Yes, I did mine in 2014.
اوه درسته. بله، من در سال ۲۰۱۴ کارم رو انجام دادم.
- 09 Best thing I ever did. I'm still working there.
بهترین کاری بود که انجام دادم. هنوزم اونجا کار می کنم.
- 10 MARTHA: Really? What are you doing?
واقعاً؟ چی کار می کنی؟
- 11 ALEX: Well, now I work in the customer services department but I did my initial training in Finance.
خب، الان تو بخش خدمات مشتری کار می کنم اما آموزش اولیه ام رو در امور مالی گذروندم.
- 12 I stayed there for the first two years and then moved to where I am now.
دو سال اول اونجا موندم و بعدش به جایی که الان هستم نقل مکان کردم.
- 13 MARTHA: That's the same department I'm applying for. Did you enjoy it?
این همون دپارتمانیه که من براش درخواست دادم. از اونجا خوشت اومد؟
- 14 ALEX: I was pretty nervous to begin with.
برای شروع خیلی عصبی بودم.
- 15 I didn't do well in my exams at school and I was really worried because I failed Maths.
امتحانات مدرسم رو خوب ندادم و واقعاً نگران بودم چون ریاضی رو افتادم.

8 - Camb13-SECTION1-T4

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

8 - Camb13-SECTION1-T4

- 16 But it didn't actually matter because I did lots of courses on the job.
اما در واقع مهم نبود چون من دوره های زیادی رو درمورد شغلم گذرونده بودم.
- 17 MARTHA: Did you get a diploma at the end of your trainee period?
آیا آخر دوره کارآموزیت دیپلم گرفتی؟
- 18 I'm hoping to do the one in business skills.
من امیدوارم که تو مهارت های تجاری این کار رو انجام بدم.
- 19 ALEX: Yes. That sounds good. I took the one on IT skills but I wish I'd done that one instead.
بله. به نظر خوب میاد. من تو یکی از مهارت های IT دیپلم گرفتم، اما کاشکی اون یکی رو می گرفتم.
- 20 MARTHA: OK, that's good to know. What about the other trainees?
خب. دوستن این موضوع خوبه. در مورد سایر کارآموزا چطور؟
- 21 How did you get on with them?
چطوری باهاشون کنار اومدین؟
- 22 ALEX: There were about 20 of us who started at the same time and we were all around the same age
حدود ۲۰ نفر بودیم که همزمان شروع کردیم و همه تو یه سن بودیم -
-
- 23 I was 18 and there was only one person younger than me, who was 17.
من ۱۸ سالم بود و فقط یه نفر از من کوچیکتر بود که ۱۷ سال داشت.
- 24 The rest were between 18 and 20. I made some good friends.
بقیه بین ۱۸ تا ۲۰ بودن. دوستای خوبی پیدا کردم.
- 25 MARTHA: I've heard lots of good things about the training at JPNW.
چیزهای خوب زیادی در مورد آموزش در JPNW شنیدم.
- 26 It seems like there are a lot of opportunities there.
به نظر می رسه که فرصت های زیادی در اونجا وجود داره.
- 27 ALEX: Yeah, definitely. Because of its size you can work in loads of different areas within the organisation.
بله، قطعاً. به دلیل وسعت اون می تونید تو خیلی از مناطق مختلف سازمان کار کنید.
- 28 MARTHA: What about pay? I know you get a lower minimum wage than regular employees.
در مورد حقوق چطور؟ من می دونم که حداقل نسبت به کارمندای عادی دستمزد کمتری دریافت می کنید.
- 29 ALEX: That's right - which isn't great.
درسته - که خوب نیست.
- 30 But you get the same number of days' holiday as everyone else.
اما شما همون تعداد روزهای تعطیلی رو دارید که بقیه دارن.

8 - Camb13-SECTION1-T4

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

8 - Camb13-SECTION1-T4

- 31 And the pay goes up massively if they offer you a job at the end of the training period.
و اگه تو پایان دوره آموزشی به شما کاری پیشنهاد بدن، دستمزدتون به شدت افزایش پیدا می‌کنه.
- 32 MARTHA: Yeah, but I'm not doing it for the money – it's the experience I think will be really useful.
بله، اما من این کار رو به خاطر پول انجام نمی‌دم – فکر می‌کنم تجربه‌ای که بدست میارم خیلی مفید خواهد بود.
- 33 Everyone says by the end of the year you gain so much confidence.
همه میگن تا آخر سال اعتماد به نفس زیادی پیدا می‌کنید.
- 34 ALEX: You're right. That's the most useful part about it.
حق با شماست. این مفیدترین بخششه.
- 35 There's a lot of variety too. You're given lots of different things to do.
تنوع زیادی هم وجود داره. کارهای مختلف زیادی به شما داده میشه.
- 36 I enjoyed it all - I didn't even mind the studying.
من از همه چی لذت بردم - حتی برام مهم نبود که درس بخونم.
- 37 MARTHA: Do you have to spend any time in college?
آیا مجبورم که زمانی رو تو دانشگاه بگذرونم؟
- 38 ALEX: Yes, one day each month. So you get lots of support from both your tutor and your manager.
آره، هر ماه یک روز. هم از طرف معلم و هم از طرف مدیرتان خیلی پشتیبانی میشید.
- 39 MARTHA: That's good. And the company is easy to get to, isn't it?
خوبه. و دسترسی به شرکت هم آسونه، اینطور نیست؟
- 40 ALEX: Yes, it's very close to the train station so the location's a real advantage.
آره، به ایستگاه قطار خیلی نزدیکه، پس موقعیت مکانیش یک امتیاز خیلی خوبه.
- 41 Have you got a date for your interview yet?
تاریخ مصاحبهات مشخص شده؟
- 42 MARTHA: Yes, it's on the 23rd of this month.
بله، بیست و سوم این ماهه.
- 43 ALEX: So long as you're well prepared there's nothing to worry about. Everyone's very friendly
تا زمانی که به خوبی آماده باشید، جای نگرانی نیست. همه خیلی صمیمی هستن.
- 44 MARTHA: I am not sure what I should wear. What do you think?
مطمئن نیستم چی بپوشم. شما چی فکر میکنید؟
- 45 ALEX: Nothing too casual – like jeans, for example.
چیز خیلی ساده‌ای نپوش - مثلاً شلوار جین.

8 - Camb13-SECTION1-T4

46

47

48

49

50

51

52

53

54

8 - Camb13-SECTION1-T4

- 46 If you've got a nice jacket, wear that with a skirt or trousers.
 اگه یه ژاکت خوب دارید، اونو با دامن یا شلوار پارچه‌ای بپوشید.
- 47 MARTHA: OK. Thanks. Any other tips?
 باشه. ممنونم. نکته دیگه‌ای هست؟
- 48 ALEX: Erm, well I know it's really obvious but arrive in plenty of time.
 آره، میدونم واقعا واضحه، ولی یه وقتی برس که زمان زیادی داشته باشی.
- 49 They hate people who are late. So make sure you know exactly where you have to get to.
 اونا از افرادی که دیر می‌کنن متنفرن. پس مطمئن شو که دقیقاً کجا می‌خوای بری.
- 50 And one other useful piece of advice my manager told me before I had the interview for this job - is to smile.
 و یه توصیه‌ی مفید دیگه که مدیرم قبل از مصاحبه برای این شغل به من گفت اینه که لبخند بز.
- 51 Even if you feel terrified. It makes people respond better to you.
 حتی اگه احساس ترس می‌کنید. باعث میشه مردم به شما بهتر جواب بدن.
- 52 MARTHA: I'll have to practise doing that in the mirror!
 باید این کار رو تو آینه تمرین کنم!
- 53 ALEX: Yeah - well, good luck. Let me know if you need any more information.
 آره - خب، موفق باشید. اگه نیاز به اطلاعات بیشتری داشتید به من خبر بدید.
- 54 MARTHA: Thanks very much.
 خیلی ممنون.

تمرین ۹ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

9 - Camb14-SECTION1-T1

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

9 - Camb14-SECTION1-T1

- 01 OFFICER: Good morning. What can I do for you?
صبح بخیر. چه کاری می‌تونم براتون انجام بدم؟
- 02 LOUISE: I want to report a theft.
می‌خوام یه دزدی رو گزارش کنم.
- 03 I had some things stolen out of my bag yesterday.
دیروز یه چیزایی از کیفم دزدیدن.
- 04 OFFICER: I'm sorry to hear that. Right, so I'll need to take a few details.
از شنیدنش متاسفم. خب حالا من باید جزئیات چند چیز رو بدونم.
- 05 Can I start with your name? LOUISE: Louise Taylor
می‌تونم با اسم شما شروع کنم؟ / لوئیز تیلور
- 06 OFFICER: OK, thank you. And are you resident in the UK?
باشه، ممنون. و مقیم انگلستان هستید؟
- 07 LOUISE: No, I'm actually Canadian, though my mother was British.
نه، من در واقع کانادایی هستم، اگرچه مادرم بریتانیایی بود.
- 08 OFFICER: And your date of birth?
و تاریخ تولدتون؟
- 09 LOUISE: December 14th, 1977.
۱۴ دسامبر ۱۹۷۷.
- 10 OFFICER: So you're just visiting this country?
پس فقط دارید از کشور دیدن می‌کنید؟
- 11 LOUISE: That's right. I come over most summers on business.
درسته. من بیشتر تابستونا برای کار میام.
- 12 I'm an interior designer and I come over to buy old furniture, antiques you know.
من یه طراح داخلی هستم و برای خرید مبلمان قدیمی یا عتیقه جات میام.
- 13 There are some really lovely things around here, but you need to get out to the small towns.
چیزهای واقعاً دوست‌داشتنی زیادی این اطراف وجود داره، ولی باید به شهرهای کوچیک برید.
- 14 I've had a really good trip this year, until this happened.
من امسال یه سفر خیلی خوب داشتم تا اینکه این اتفاق افتاد.
- 15 OFFICER: OK. So you've been here quite a while?
باشه. پس شما مدت زیادی اینجا بودید؟

9 - Camb14-SECTION1-T1

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

9 - Camb14-SECTION1-T1

- 16 LOUISE: Yes, I'm here for two months. I go back next week.
بله، دو ماهه که اینجا. هفته بعد برمیگردم.
- 17 OFFICER: So may I ask where you're staying now?
پس می‌تونم بپرسم الان کجا اقامت دارید؟
- 18 LOUISE: Well at present I've got a place at Park Apartments, that's on King Street.
خب در حال حاضر، من تو مجموعه‌ی آپارتمان‌های پارک تو خیابون کینگ اقامت دارم.
- 19 I was staying at the Riverside Apartments on the same street, but the apartment there was only available for six weeks so I had to find another one.
من تو مجموعه‌ی آپارتمان‌های ریورساید تو همون خیابون اقامت داشتیم، اما آپارتمان اونجا فقط برای شش هفته در دسترس بود، پس مجبور شدم آپارتمان دیگه ای پیدا کنم.
- 20 OFFICER: OK. And the apartment number?
باشه. و شماره آپارتمان؟
- 21 LOUISE: Fifteen. OFFICER: Right.
پانزده. / درسته.
- 22 OFFICER: Now, I need to take some details of the theft.
الان، باید جزئیاتی از سرقت رو بررسی کنم.
- 23 So you said you had some things stolen out of your bag?
پس گفتی یه چیزایی از کیفت دزدیدن؟
- 24 LOUISE: That's right.
درسته.
- 25 OFFICER: And were you actually carrying the bag when the theft took place?
و موقع سرقت کیف رو حمل می‌کردید؟
- 26 LOUISE: Yes. I really can't understand it. I had my backpack on.
بله. واقعا نمی‌تونم درک کنم. کوله پشتیم رو دوشم بود.
- 27 And I went into a supermarket to buy a few things and when I opened it up my wallet wasn't there.
و برای خرید چند چیز به سوپرمارکت رفتم و وقتی اونو باز کردم، کیف پولم اونجا نبود.
- 28 OFFICER: And what did your wallet have in it?
تو کیف پولتون چی بود؟
- 29 LOUISE: Well, fortunately I don't keep my credit cards in that wallet - I keep them with my passport in an inside compartment in my backpack.
خب، خوشبختانه من کارت‌های اعتباریم رو تو اون کیف پول نگه نمی‌دارم - اونا رو با پاسپورتم تو یه محفظه‌ی داخلی تو کوله پشتیم نگه می‌دارم.
- 30 But there was quite a bit of cash there ... about £250 sterling, I should think.
ولی مقدار زیادی پول نقد توش بود... فکر کنم باید، حدود ۲۵۰ پوند استرلینگ.

9 - Camb14-SECTION1-T1

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

9 - Camb14-SECTION1-T1

- 31 I withdrew £300 from my account yesterday, but I did a bit of shopping,
دیروز ۳۰۰ پوند از حسابم برداشت کردم، اما کم خرید کردم،
- 32 so I must have already spent about £50 of that.
پس باید حدود ۵۰ پوند از آن خرج کرده باشم.
- 33 OFFICER: OK. LOUISE: At first I thought, oh I must have left the wallet back in the apartment, but then I realised my phone had gone as well.
باشه. / اول فکر کردم، اوه، حتماً کیف پولمو تو آپارتمان جا گذاشتم، اما بعد متوجه شدم که تلفنم هم نیست.
- 34 It was only a week old, and that's when I realised I'd been robbed.
فقط یک هفته بود داشتمش، و اون موقع بود که فهمیدم ازم دزدی کردن.
- 35 Anyway, at least they didn't take the keys to my rental car.
به هر حال، حداقل کلید ماشین اجاره‌ایم رو نبردن.
- 36 OFFICER: Yes. So you say the theft occurred yesterday? LOUISE: Yes.
بله. پس شما می‌گید سرقت دیروز اتفاق افتاده؟ / بله.
- 37 OFFICER: So that was September the tenth.
پس دهم سپتامبر بود.
- 38 And do you have any idea at all of where or when the things might possibly have been stolen?
و اصلاً نظری ندارید که چیزای شما رو ممکنه از کجا یا کی دزدیده باشن؟
- 39 LOUISE: Well at first, I couldn't believe it because the bag had been on my back ever since I left the apartment after lunch.
خب اولش نمی‌تونستم باور کنم، چون از زمانی که بعد از ناهار از آپارتمان اومدم بیرون، کیف روی دوشم بود.
- 40 It's just a small backpack, but I generally use it when I'm travelling because it seems safer than a handbag.
فقط یک کوله پشتی کوچیکه، اما من معمولاً تو سفر ازش استفاده می‌کنم چون به نظرم از یک کیف دستی امن تره.
- 41 Anyway, I met up with a friend, and we spent a couple of hours in the museum.
به هر حال، من با یکی از دوستانم ملاقات کردم و چند ساعتی رو تو موزه گذروندیم.
- 42 But I do remember that as we were leaving there, at about 4 o'clock, a group of young boys ran up to us,
ولی یادم میاد که وقتی داشتیم از اونجا خارج می‌شدیم، حدود ساعت ۴، گروهی از پسرهای جوان به سمت ما دویدن.
- 43 and they were really crowding round us, and they were asking us what time it was, then all of a sudden they ran off.
و واقعاً دورمون رو شلوغ کردن و از ما می‌پرسیدن که ساعت چنده و ناگهان فرار کردن.
- 44 OFFICER: Can you remember anything about them?
چیزی در مورد اونا یادتون میاد؟
- 45 LOUISE: The one who did most of the talking was wearing a T-shirt with a picture of something ... let's see ... a tiger.
کسی که بیشتر صحبت می‌کرد یه تی‌شرت پوشیده بود که روی اون عکس چیزی ... ببینیم ... یه ببر.

9 - Camb14-SECTION1-T1

46

47

48

49

50

51

52

53

54

55

56

9 - Camb14-SECTION1-T1

- 46 OFFICER: Right. Any idea of how old he might have been?
درسته. هیچ تصویری ندارید که ممکنه چند سالش باشه؟
- 47 LOUISE: Around twelve years old.
حدودا دوازده ساله.
- 48 OFFICER: And can you remember anything else about his appearance?
و چیز دیگه ای در مورد ظاهرش یادتون میاد؟
- 49 LOUISE: Not much. He was quite thin ...
نه زیاد. خیلی لاغر بود ...
- 50 OFFICER: Colour of hair?
رنگ مو؟
- 51 LOUISE: I do remember that - he was blond. All the others were dark-haired.
یادم میاد - بلوند بود. بقیه همه موهای تیره داشتن.
- 52 OFFICER: And any details of the others?
و جزییات بقیه؟
- 53 LOUISE: Not really. They came and went so quickly.
نه واقعا. خیلی سریع اومدن و رفتن.
- 54 OFFICER: Right. So what I'm going to do now is give you a crime reference number so you can contact your insurance company.
درسته. خب کاری که حالا می خوام انجام بدم اینه که یه شماره مرجع جرم به شما بدم تا بتونید به شرکت بیمه‌ی خودتون اطلاع بدین.
- 55 So this is ten digits: 87954 82361.
پس این ده رقمه: ۸۷۹۵۴۸۲۳۶۱
- 56 LOUISE: Thank you. So should I...
متشکرم. پس منم باید...

تمرین ۱۰ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

10 - Camb14-SECTION1-T2

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

10 - Camb14-SECTION1-T2

- 01 CARL: Hi, come and take a seat. JULIE: Thank you.
سلام، بیا و بشین. / ممنون.
- 02 CARL: My name's Carl Rogers and I'm one of the doctors here at the Total Health Clinic.
اسم من کارل راجرز و یکی از پزشکای کلینیک سلامت توتال هستم.
- 03 So I understand this is your first visit to the clinic? JULIE: Yes, it is.
متوجه شدم که این اولین بازدید شما از کلینیکه؟ / بله، همینطوره.
- 04 CARL: OK, well I hope you'll be very happy with the service you receive here.
خب، امیدوارم از خدماتی که اینجا دریافت می کنید نهایت رضایت رو داشته باشید.
- 05 So if it's alright with you I'll take a few details to help me give you the best possible service. JULIE: Sure.
خب، اگه برای شما اشکالی نداره، جزئیات چند چیز رو می پرسم تا بهم کمک کنه بهترین سرویس ممکن رو بهتون ارائه بدم. / حتما.
- 06 CARL: So can I check first of all that we have the correct personal details for you?
خب در وهله ی اول بزراید ببینم اطلاعات شخصی که ما از شما داریم درسته؟
- 07 So your full name is Julie Anne Garcia? JULIE: That's correct.
اسم کامل شما جولی آن گارسیاست؟ / درسته.
- 08 CARL: Perfect. And can I have a contact phone number?
بسیار عالی. و می تونم تلفن تماس شما رو داشته باشم؟
- 09 JULIE: It's 219 442 9785.
شماره ۲۱۹۴۴۲۹۷۸۵ هست.
- 10 CARL: OK, and then can I just check that we have the correct date of birth?
خب، و بعد می تونم تاریخ دقیق تولد رو بدونم؟
- 11 JULIE: October tenth, 1992.
دهم اکتبر ۱۹۹۲.
- 12 CARL: Oh, I actually have 1991, I'll just correct that now.
اوه، تو سیستم من ۱۹۹۱ هست. الان اصلاحش می کنم.
- 13 Right, so that's all good.
درسته، پس همه چیز خوبه.
- 14 Now I just need just a few more personal details ...
حالا فقط به چند تا جزئیات شخصی دیگه نیاز دارم...
- 15 do you have an occupation, either full-time or part-time?
آیا شغلی دارید، تمام وقت یا پاره وقت؟

10 - Camb14-SECTION1-T2

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

10 - Camb14-SECTION1-T2

- 16 JULIE: Yes, I work full-time in Esterhazy's - you know, the restaurant chain.
بله، من تمام وقت تو استرهایزی کار می‌کنم - می‌دونید، رستوران‌های زنجیره‌ای.
- 17 I started off as a waitress there a few years ago and I'm a manager now.
چند سال پیش به عنوان پیشخدمت کارمو شروع کردم و حالا مدیر هستم.
- 18 CARL: Oh I know them, yeah, they're down on 114th Street, aren't they?
اوه. می‌شناسمشون. آره، اونا تو خیابون ۱۱۴ هستن، اینطور نیست؟
- 19 JULIE: That's right.
درسته.
- 20 CARL: Yeah, I've been there a few times. I just love their salads.
آره. چند بار اونجا بودم. من فقط عاشق سالادشونم.
- 21 JULIE: That's good to hear.
خوشحالم که اینو می‌شنوم.
- 22 CARL: Right, so one more thing I need to know before we talk about why you're here, Julie, and that's the name of your insurance company.
خب، فقط قبل از اینکه در مورد دلیل حضور شما در اینجا صحبت کنیم، یه چیز دیگه باید بدونم جولی، اونم اسم شرکت بیمه شماست.
- 23 JULIE: It's Cawley Life Insurance, that's C-A-W-L-E-Y.
اسمش بیمه‌ی زندگی کاوولی هست. میشه C-A-W-L-E-Y.
- 24 CARL: Excellent, thank you so much,
بسیار عالی، خیلی ممنونم.
- 25 CARL: Now Julie, let's look at how we can help you.
جولی، حالا ببینیم چطور می‌تونیم کمکت کنیم.
- 26 So tell me a little about what brought you here today.
کمی در مورد چیزی که امروز شما رو به اینجا کشوند به من بگید.
- 27 JULIE: Well, I've been getting a pain in my knee, the left one.
خب، چند وقته زانوی چپم درد می‌کنه.
- 28 Not very serious at first, but it's gotten worse, so I thought I ought to see someone about it.
اولش خیلی جدی نبود، اما بدتر شده، پس فکر کردم که بهتره کسی رو در مورد این درد ببینم.
- 29 CARL: That's certainly the right decision.
مطمئناً این تصمیم درسته.
- 30 So how long have you been aware of this pain?
خب، چند وقته از این درد خبر دارید؟

10 - Camb14-SECTION1-T2

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

10 - Camb14-SECTION1-T2

31 Is it just a few days, or is it longer than that?

فقط چند روزه یا بیشتر؟

32 JULIE: Longer. It's been worse for the last couple of days, but it's three weeks since I first noticed it. بیشتر. در چند روز گذشته بدتر شده، ولی از اولین باری که متوجه شدم سه هفته می‌گذره.

33 It came on quite gradually though, so I kind of ignored it at first.

هر چند به تدریج شروع شد، اوایل نادیده گرفتمش.

34 CARL: And have you taken any medication yourself, or treated it in anyway?

و آیا خودت دارویی مصرف کردی یا هر کاری که درمانش کنی؟

35 JULIE: Yeah, I've been taking medication to deal with the pain, Tylenol, and that works OK for a few hours.

بله، من برای کم شدن دردم دارو مصرف می‌کردم، تایلنول که برای چند ساعت جواب میده.

36 But I don't like to keep taking it.

اما من دوست ندارم به مصرفش ادامه بدم.

37 CARL: OK. And what about heat treatment?

باشه. و در مورد درمان حرارتی چطور؟

38 Have you tried applying heat at all?

آیا اصلاً در مورد استفاده از گرما اقدام کردین؟

39 JULIE: No, but I have been using ice on it for the last few days.

نه، ولی در چند روز اخیر دارم از یخ استفاده می‌کنم.

40 CARL: And does that seem to help the pain at all? JULIE: A little, yes.

و آیا اصلاً به نظر میاد که این به بهبود درد کمکی کنه؟ / کمی، بله.

41 CARL: Good. Now you look as if you're quite fit normally? JULIE: I am, yes.

خوبه. حالا به نظر میاد که اندام کاملاً خوبی دارید؟ / دارم. آره.

42 CARL: So do you do any sport on a regular basis?

به طور منظم ورزش می‌کنید؟

43 JULIE: Yes, I play a lot of tennis.

بله، من زیاد تنیس بازی می‌کنم.

44 I belong to a club so I go there a lot.

عضو یه باشگاه هستم که زیاد اونجا میرم.

45 I'm quite competitive so I enjoy that side of it as well as the exercise.

من خیلی رقابت‌طلب هستم و همراه با ورزش کردن از این جنبه‌ی اونم لذت می‌برم.

10 - Camb14-SECTION1-T2

46

47

48

49

50

51

52

53

54

55

56

57

58

10 - Camb14-SECTION1-T2

46 But I haven't gone since this started.

ولی از وقتی که این درد شروع شده، نرفتم.

47 CARL: Sure. And do you do any other types of exercise?

مطمئناً. و ورزش دیگه ای هم انجام میدید؟

48 JULIE: Yeah, I sometimes do a little swimming, but usually just when I'm on vacation.

آره. گاهی اوقات کمی شنا می‌کنم، اما معمولاً وقتی که تو تعطیلات هستم.

49 But normally I go running a few times a week, maybe three or four times.

اما معمولاً، چند بار در هفته می‌دوم، شاید سه یا چهار بار.

50 CARL: Hmm. So your legs are getting quite a pounding.

هوم. پس حسابی به پاهاتون فشار میاد.

51 But you haven't had any problems up to now?

اما تا الان هیچ مشکلی نداشتید؟

52 JULIE: No, not with my legs.

نه، نه با پاهام.

53 I did have an accident last year when I slipped and hurt my shoulder, but that's better now.

سال گذشته تصادف کردم که لیز خوردم و شونم آسیب دید، اما الان بهتره.

54 CARL: Excellent. And do you have any allergies?

عالیه به چیزی هم حساسیت دارید؟

55 JULIE: No, none that I'm aware of.

نه. نه تا اونجایی که می‌دونم.

56 CARL: And do you take any medication on a regular basis?

و آیا به طور منظم دارویی مصرف می‌کنید؟

57 JULIE: Well, I take vitamins but that's all. I'm generally very healthy.

خب، من ویتامین مصرف می‌کنم، اما فقط همین. کلاً خیلی سالمم.

58 CARL: OK, well let's have a closer look and see what might be causing this problem. If you can just get up...

بسیار خوب، بزار نگاهی دقیق‌تر بیندازم و ببینم چی ممکنه باعث این مشکل شده باشه. اگه بتونید فقط بلند شوید...

تمرین ۱۱ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

11 - Camb14-SECTION1-T3

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

11 - Camb14-SECTION1-T3

- 01 ANGELA: Hello, Flanders conference hotel.
سلام، هتل کنفرانس فلاندرز.
- 02 MAN: Oh, hi. I wanted to ask about conference facilities at the hotel.
اوه، سلام. می‌خواستم در مورد امکانات کنفرانس هتل بپرسم.
- 03 Have I come through to the right person?
آیا با شخص مسئول صحبت می‌کنم؟
- 04 ANGELA: You have. I'm the customer services manager.
بله. من مدیر خدمات مشتری هستم.
- 05 My name's Angela. So how can I help you?
اسم آنجلاست. چطور می‌تونم بهتون کمک کنم؟
- 06 MAN: Well, I'm calling from Barrett and Stansons, we're a medical company based in Perth.
ANGELA: Oh yes.
خوب، من از بارت و استانسُنز تماس می‌گیرم. ما یه شرکت پزشکی مستقر در پرت هستیم. / اوه بله.
- 07 MAN: And we're organising a conference for our clients to be held in Sydney.
و در حال سازماندهی کنفرانسی برای مشتریامون هستیم که تو سیدنی برگزار میشه.
- 08 It'll be held over two days and we're expecting about fifty or sixty people.
این کنفرانس طی دو روز برگزار میشه و انتظار داریم پنجاه یا شصت نفر بیان.
- 09 ANGELA: When were you thinking of having it?
برنامه‌تون برای برگزاری این کنفرانس برای چه زمانی هست؟
- 10 MAN: Some time early next year, like the end of January?
در اوایل سال آینده، مثلاً اواخر ژانویه؟
- 11 It'd have to be a weekend.
باید آخر هفته باشه.
- 12 ANGELA: Let me see ... Our conference facilities are already booked for the weekend beginning January 28th.
بزارید ببینم... امکانات کنفرانس ما از قبل برای تعطیلات آخر هفته که از ۲۸ ژانویه شروع میشه، رزرو شده.
- 13 We could do the first weekend in February?
می‌تونیم اولین آخر هفته‌ی فوریه برگزارش کنیم.
- 14 MAN: How about January 21st?
۲۱ ژانویه چطور؟
- 15 ANGELA: I'm afraid that's booked too.
معذرت می‌خوام ولی اون روز هم رزرو شده.

11 - Camb14-SECTION1-T3

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

11 - Camb14-SECTION1-T3

- 16 MAN: Well, let's go for the February date then.
خب، پس بریم برای همون تاریخ فوریه.
- 17 ANGELA: So that's the weekend beginning the 4th.
این آخر هفته از چهارم شروع میشه.
- 18 MAN: OK. Now can you tell me a bit about what conference facilities you have?
باشه. حالا می تونید کمی در مورد امکاناتی که برای کنفرانس دارید بهم بگید؟
- 19 ANGELA: Sure. So for talks and presentations we have the Tesla room.
حتما. خب، برای گفتگوها و ارائه ها اتاق تسلا رو داریم.
- 20 MAN: Sorry? ANGELA: Tesla - that's spelled T-E-S-L-A.
ببخشید؟ / تسلا - بهش T-E-S-L-A میگن.
- 21 It holds up to a hundred people, and it's fully equipped with a projector and so on.
تا صد نفر رو جا میده و کاملاً مجهز به پروژکتور و چیزای دیگست.
- 22 MAN: How about a microphone?
میکروفون چطوره؟
- 23 ANGELA: Yes, that'll be all set up ready for you, and there'll be one that members of the audience can use too, for questions, if necessary.
بله، همه چیز برای شما آماده میشه، و در صورت لزوم، مخاطبین هم می تونن ازش برای سوالاتشون استفاده کنن.
- 24 MAN: Fine. And we'll also need some sort of open area where people can sit and have a cup of coffee,
خوبه. و همچنین به نوعی فضای باز نیاز داریم که مردم بتونن بنشینن و یه فنجان قهوه بخورن،
- 25 and we'd like to have an exhibition of our products and services there as well, so that'll need to be quite a big space.
و ما می خوایم نمایشگاهی از محصولات و خدمات خودمون رو تو اونجا داشته باشیم، پس باید فضای خیلی بزرگی باشه.
- 26 ANGELA: That's fine, there's a central atrium with all those facilities,
خوبه، یه اتاق مرکزی با تمام اون امکانات وجود داره،
- 27 and you can come before the conference starts if you want to set everything up.
و اگه می خواید همه چیز رو تنظیم کنید، می تونید قبل از شروع کنفرانس بیاید.
- 28 MAN: Great. And I presume there's Wi-Fi?
عالیه. و فکر کنم Wi-Fi هم وجود داره؟
- 29 ANGELA: Oh yes, that's free and available throughout the hotel.
اوه بله، رایگانه و در سراسر هتل در دسترس است.
- 30 MAN: OK.
باشه.

11 - Camb14-SECTION1-T3

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

11 - Camb14-SECTION1-T3

- 31 ANGELA: Would you also like us to provide a buffet lunch?
 آیا همچنین مایلید که ناهار رو به صورت بوفه ارائه کنیم؟
- 32 We can do a two-course meal with a number of different options.
 ما می‌تونیم یه وعده غذایی دو بخشی رو با چند گزینه مختلف ارائه بدیم.
- 33 MAN: What sort of price are we looking at for that?
 برای این گزینه چه قیمت‌هایی دارید؟
- 34 ANGELA: Well, I can send you a copy of the standard menu.
 خب، من می‌تونم یه نسخه از منوی استانداردمون رو براتون ارسال کنم.
- 35 That's \$45 per person. Or you can have the special for \$25 more.
 یعنی ۴۵ دلار برای هر نفر. یا می‌تونید با ۲۵ دلار بیشتر منوی مخصوص رو داشته باشید.
- 36 MAN: I think the standard should be OK, but yes, send me the menu.
 فکر می‌کنم استاندارد باید خوب باشه، اما بله، منو رو برام ارسال کنید.
- 37 MAN: Now we're also going to need accommodation on the Saturday night for some of the participants ...
 حالا، برای بعضی از شرکت کنندگان در شنبه شب نیز به اسکان نیاز داریم...
- 38 I'm not sure how many, but probably about 25.
 مطمئن نیستم چندتا، اما احتمالاً حدود ۲۵ تا.
- 39 So what do you charge for a room?
 برای یه اتاق چه هزینه‌ای دریافت می‌کنید؟
- 40 ANGELA: Well, for conference attendees we have a 25% reduction,
 خب، برای شرکت کنندگان تو کنفرانس ما ۲۵٪ تخفیف داریم،
- 41 so we can offer you rooms at \$135. Normally a standard room's \$180.
 ما می‌تونیم اتاق‌هایی رو با قیمت ۱۳۵ دلار به شما پیشنهاد بدیم. به طور معمول یه اتاق استاندارد ۱۸۰ دلاره.
- 42 MAN: And does that include breakfast?
 و شامل صبحانه هم میشه؟
- 43 ANGELA: Sure. And of course, guests can also make use of all the other facilities at the hotel.
 مطمئناً. و البته مهمونا می‌تونن از تمامی امکانات دیگه ی هتل استفاده کنن.
- 44 So we've got a spa where you can get massages and facials and so on,
 ما یه اسپا داریم که می‌تونید ماساژ، کارهای مراقبتی صورت و دیگه خدمات رو دریافت کنید،
- 45 and there's a pool up on the roof for the use of guests.
 و یه استخر هم روی پشت بام برای استفاده ی مهمونا وجود داره.

11 - Camb14-SECTION1-T3

46

47

48

49

50

51

52

53

11 - Camb14-SECTION1-T3

- 46 MAN: Great. Now what about transport links? The hotel's downtown, isn't it?
عاليه. مسيرهاي حمل و نقل چطور؟ هتل مرکز شهره، اينطور نيست؟
- 47 ANGELA: Yes, it's about 12 kilometres from the airport, but there's a complimentary shuttle bus for guests.
بله، حدود ۱۲ كيلومتر با فرودگاه فاصله داره، اما يه اتوبوس شاتل رایگان برای مهمونا وجود داره.
- 48 And it's only about ten minutes' walk from the central railway station.
و فقط ده دقيقه پياده تا ايستگاه راه آهن مرکزی فاصله داره.
- 49 MAN: OK. Now, I don't know Sydney very well, can you just give me an idea of the location of the hotel?
باشه. من سيدنی رو زياد نميشناسم، ميشه يه تصويری از موقعيت هتل بهم بدین؟
- 50 ANGELA: Well, it's downtown on Wilby Street, that's quite a small street, and it's not very far from the sea.
خب، مرکز شهره تو خيابون ويلبی، يه خيابون خیلی کوچيکه، و خیلی از دريا دور نيست.
- 51 And of course if the conference attendees want to go out on the Saturday evening there's a huge choice of places to eat.
و البته اگه شرکت کنندهای کنفرانس بخوان شنبه عصر برن بیرون، مکان های زيادی برای غذا خوردن وجود داره.
- 52 Then if they want to make a night of it, they can go on to one of the clubs in the area - there are a great many to choose from.
پس اگه می خوان يه شب عالی داشته باشن، می تونن به یکی از کلوب های منطقه برن - تعداد زيادی برای انتخاب وجود داره.
- 53 MAN: OK. So if we go ahead with this, can you give me some information about how much...
باشه. پس اگه با اين برنامه پيش بریم، می تونید اطلاعاتی در مورد اينکه چقدر ...

تمرین ۱۲ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

12 - Camb14-SECTION1-T4

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

12 - Camb14-SECTION1-T4

- 01 ANDREW: Good morning, Clare House Hotel. Andrew speaking. I'm the Events Manager.
صبح بخیر، هتل کلر هاوس.. من اندرو هستم. مدیر مراسم.
- 02 SAM: Good morning, Andrew. My name's Samantha.
صبح بخیر اندرو. اسم من سامانتاست.
- 03 I'm arranging a party for my parents' fiftieth wedding anniversary, and I'm ringing to ask about hiring a room some time next September.
من دارم برای پنجاهمین سالگرد ازدواج والدینم جشنی ترتیب میدم و زنگ زدم تا در مورد اجاره‌ی یه اتاق تو سپتامبر آینده بپرسم.
- 04 Also my parents and several of the guests will need accommodation.
والدینم و تعدادی از مهمونا هم به محل اقامت نیاز دارن.
- 05 ANDREW: OK, I'm sure we can help you with that.
باشه. مطمئنم که می‌تونیم در این زمینه بهتون کمک کنیم.
- 06 Will you be having a sit-down meal or a buffet? SAM: Probably a sit-down.
قراره وعده‌ی غذایی تون رو پشت میز میل کنید یا بصورت بوفه؟ / احتمالاً پشت میز.
- 07 ANDREW: And do you know how many people there'll be? SAM: Around eighty, I think.
و می‌دونید چند نفر قراره بیان؟ / فکر کنم حدود هشتاد نفر.
- 08 ANDREW: Well we have two rooms that can hold that number, One is the Adelphi Room.
خب ما دو تا اتاق داریم که می‌تونه این تعداد رو جا بده. یکیش اتاق آدلفی هست.
- 09 That can seat eighty-five, or hold over a hundred if people are standing for a buffet. SAM: Right.
که می‌تونه هشتاد و پنج نفر رو جا بده، یا اگه مدعوین برای بوفه ایستاده باشن، بیش از صد نفر گنجایش داره. / درسته.
- 10 ANDREW: If you have live music, there's room for four or five musicians in the gallery overlooking the room.
اگه موسیقی زنده دارید، تو گالری مشرف به اتاق جا برای چهار یا پنج نوازنده وجود داره.
- 11 Our guests usually appreciate the fact that the music can be loud enough for dancing, but not too loud for conversation.
معمولاً مهمونای ما از اینکه موسیقی خیلی برای صحبت کردن بلند نیست و به اندازه کافی برای رقصیدن بلند قدردانی می‌کنن.
- 12 SAM: Yes, I really don't like it when you can't talk.
بله، من واقعاً وقتی صدای موسیقی اینقدر بلند باشه که نشه صحبت کرد رو دوست ندارم.
- 13 ANDREW: Exactly. Now the Adelphi Room is at the back of the hotel, and there are French windows leading out onto the terrace.
دقیقاً. حالا بگم که اتاق آدلفی پشت هتله و پنجره های فرانسوی به تراس منتهی میشن.
- 14 This has a beautiful display of pots of roses at that time of the year.
از اونجا یه زاویه‌ی دید زیبا از گلدون‌های گل رز تو این وقت از سال وجود داره.
- 15 SAM: Which direction does it face?
رو به کدوم جهته؟

12 - Camb14-SECTION1-T4

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

12 - Camb14-SECTION1-T4

- 16 ANDREW: Southwest, so that side of the hotel gets the sun in the afternoon and early evening.
SAM: Very nice.
جنوب غربی، به طوری که اون طرف هتل بعدازظهر و اوایل عصر آفتاب می خوره. / خیلی خوبه.
- 17 ANDREW: From the terrace you can see the area of trees within the grounds of the hotel,
از تراس می تونید محوطه ی درختای تو زمین هتل رو ببینین.
- 18 or you can stroll through there to the river - that's on the far side, so it isn't visible from the hotel.
SAM: OK.
یا می تونید از اونجا به سمت رودخونه قدم بزنید - که اونم دوره، پس از هتل قابل مشاهده نیست. / باشه.
- 19 ANDREW: Then another option is the Carlton Room. This is a bit bigger - it can hold up to a hundred and ten people -
گزینه ی دیگه اتاق کارلتون هست. کمی بزرگتره - می تونه تا صد و ده نفر جا بده -
- 20 and it has the advantage of a stage, which is useful if you have any entertainment, or indeed a small band can fit onto it.
و امتیازش داشتن یه استیج که اگه برنامه ی سرگرمی داشته باشید مفیده و قطعاً یه گروه کوچیک می تونه روی اون اجرا کنه.
- 21 SAM: And can you go outside from the room?
و آیا از اتاق نمایی به بیرون هست؟
- 22 ANDREW: No, the Carlton Room is on the first floor, but on one side the windows look out onto the lake.
نه، اتاق کارلتون تو طبقه ی اوله، اما از یه طرف پنجره ها رو به دریاچه است.
- 23 SAM: Lovely. I think either of those rooms would be suitable.
دوست داشتنیه. فکر می کنم هر دو تا اتاق مناسب باشن.
- 24 ANDREW: Can I tell you about some of the options we offer in addition? SAM: Please do.
می تونم درباره بعضی از مزایایی که علاوه بر اینها ارائه میدیم بهتر بگم؟ / لطفا بگید.
- 25 ANDREW: As well as a meal, you can have an MC, a Master of Ceremonies; who'll be with you throughout the party.
علاوه بر یه وعده غذایی، می تونید یک MC، استاد تشریفات داشته باشید. کسی که در طول جشن با شما خواهد بود.
- 26 SAM: What exactly is the MC's function?
وظیفه ی MC دقیقاً چیه؟
- 27 I suppose they make a speech during the meal if we need one, do they?
فکر کنم اگه لازم باشه حین غذا سخنرانی می کنن، درسته؟
- 28 ANDREW: That's right. All our MCs are trained as public speakers, so they can easily get people's attention -
درسته. همه MC های ما به عنوان سخنرانان عمومی آموزش دیدن، بنابراین می تونن به راحتی توجه مردم رو جلب کنن -
- 29 many guests are glad to have someone who can make themselves heard above the chatter!
خیلی از مهمونا خوشحالن که یکی هست که بتونه صداش رو بلندتر از گپ و گفت های بقیه به گوش همه برسونه.
- 30 And they're also your support - if anything goes wrong, the MC will deal with it, so you can relax.
و اونا همچنین پشتیبان شما هستن - اگه مشکلی پیش بیاد، MC با اونا برخورد می کنه تا بتونید آرامش داشته باشید.

12 - Camb14-SECTION1-T4

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

12 - Camb14-SECTION1-T4

- 31 SAM: Great! I'll need to ask you about food, but something else that's important is accommodation.
عالیه! باید در مورد غذا از شما بپرسم، اما چیز دیگه ای که مهمه محل اقامته.
- 32 You obviously have rooms in the hotel, but do you also have any other accommodation, like cabins, for example?
واضحه که شما تو هتل اتاق دارید، ولی اقامتگاه دیگه ای هم دارید، مثلاً سوئیت؟
- 33 ANDREW: Yes, there are five in the grounds, all self-contained.
بله، پنج تا تو محوطه هست که همگی مجزا و مبله هستن.
- 34 They each sleep two to four people and have their own living room, bathroom and small kitchen.
هر کدوم برای خواب دو تا چهار نفره و اتاق نشیمن، حمام و آشپزخونه‌ی کوچیک خودشون رو دارن.
- 35 SAM: That sounds perfect for what we'll need.
برای چیزی که ما لازم داریم، عالی به نظر میرسه.
- 36 SAM: Now you have various facilities, don't you?
شما امکانات مختلفی دارید، نه؟
- 37 Are they all included in the price of hiring the room? The pool, for instance.
هزینه‌ی اونا رو اجاره‌ی اتاقه؟ مثلاً استخر.
- 38 ANDREW: Normally you'd be able to use it, but it'll be closed throughout September for refurbishment, I'm afraid.
معمولاً می‌تونید ازشون استفاده کنید، اما با عرض پوزش در طول ماه سپتامبر برای بازسازی بسته است.
- 39 The gym will be available, though, at no extra charge. That's open all day, from six in the morning until midnight. SAM: Right.
هر چند، باشگاه بدون پرداخت هزینه‌ی اضافی در دسترسه. در تمام روز بازه، از شش صبح تا نیمه شب. / درسته.
- 40 ANDREW: And the tennis courts, but there is a small additional payment for those.
و زمین‌های تنیس، اما هزینه اضافی کمی برای اونا وجود داره.
- 41 We have four courts, and it's worth booking in advance if you possibly can, as there can be quite a long waiting list for them!
ما چهار زمین ورزشی داریم و ارزشش رو داره که اگه می‌تونید از قبل رزرو کنید، چون ممکنه یه لیست انتظار طولانی براشون وجود داشته باشه!
- 42 SAM: Right Now could we discuss the food? This would be dinner, around seven o'clock...
می‌تونیم درباره‌ی غذا صحبت کنیم؟ شام، حدود ساعت هفت...

تمرین ۱۳ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

13 - Camb15-SECTION1-T1

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

13 - Camb15-SECTION1-T1

- 01 AMBER: Hello William. This is Amber - you said to phone if I wanted to get more information about the job agency you mentioned.
سلام ویلیام. امبر هستم - شما گفتید که اگه می‌خوام اطلاعات بیشتری در مورد آژانس کاریابی که گفتید داشته باشم، تلفن بزنم.
- 02 Is now a good time? WILLIAM: Oh, hi Amber. Yes. Fine.
الان وقت خوبیه؟ / او، سلام امبر. آره. خوبه.
- 03 So the agency I was talking about is called Bankside - they're based in Docklands - I can tell you the address now - 497 Eastside.
پس اسم اون آژانسی که در موردش صحبت می‌کردم بانک سایده- اونا تو داکلند مستقرن- الان آدرسشون رو بهت میگم - 497 Eastside.
- 04 AMBER: OK, thanks. So is there anyone in particular I should speak to there?
باشه، ممنون. شخص خاصی اونجا هست که باید باهاش صحبت کنم؟
- 05 WILLIAM: The agent I always deal with is called Becky Jamieson.
ماموری که همیشه با او سر و کار دارم بکی جیمیسون هست.
- 06 AMBER: Let me write that down - Becky ...
اجازه بدین بنویسمش - بکی...
- 07 WILLIAM: Jamieson J-A-M-I-E-S-O-N.
جیمیسون. J-A-M-I-E-S-O-N.
- 08 AMBER: Do you have her direct line?
خط مستقیمش رو دارید؟
- 09 WILLIAM: Yes, it's in my contacts somewhere - right, here we are: 078 double 6, 510 triple 3.
بله، یه جایی تو مخاطبین من - درسته، اینجاست: ۰۷۸ دو تا ۶، ۵۱۰ سه تا ۳.
- 10 I wouldn't call her until the afternoon if I were you - she's always really busy in the morning trying to fill last-minute vacancies.
اگه جای شما بودم تا بعدازظهر باهاش تماس نمی‌گرفتم - صبح‌ها همیشه خیلی سرش شلوغه تا بتونه لحظه‌ی آخر همه‌ی جاهای خالی رو پر کنه.
- 11 She's really helpful and friendly so I'm sure it would be worth getting in touch with her for an informal chat.
او انسان مفید و صمیمی هست، پس مطمئنم که ارزش این رو داره که برای یک گپ دوستانه باهاش تماس بگیرم.
- 12 AMBER: It's mainly clerical and admin jobs they deal with, isn't it?
اونا عمدتاً با کارهای اداری و مهم سروکار دارن، اینطور نیست؟
- 13 WILLIAM: That's right. I know you're hoping to find a full-time job in the media eventually -
درسته. می‌دونم که امیدوارید در نهایت یه شغل تمام وقت تو صنعت رسانه پیدا کنید -
- 14 but Becky mostly recruits temporary staff for the finance sector - which will look good on your CV- and generally pays better too.
اما بکی بیشتر کارکنان موقت رو برای بخش مالی استخدام می‌کنه - که برای رزومه‌ات هم خوب خواهد بود - و به طور کلی حقوق بیشتری هم داره.
- 15 AMBER: Yeah - I'm just a bit worried because I don't have much office experience.
بله - من فقط کمی نگرانم چون تجربه‌ی اداری زیادی ندارم.

13 - Camb15-SECTION1-T1

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

13 - Camb15-SECTION1-T1

- 16 WILLIAM: I wouldn't worry. They'll probably start you as a receptionist, or something like that.
من نگران نیستم. اونا احتمالاً تو شروع کار شما رو به عنوان منشی یا همچین چیزی به کار بگیرن.
- 17 So what's important for that kind of job isn't so much having business skills or knowing lots of different computer systems –
بنابراین چیزی که برای این نوع شغل مهمه داشتن مهارت های تجاری یا دونستن تعداد زیادی از سیستم های کامپیوتری مختلف نیست –
- 18 it's communication that really matters - So you'd be fine there.
ارتباطه که واقعاً مهمه - پس مشکلی ندارین.
- 19 And you'll pick up office skills really quickly on the job. It's not that complicated.
و مهارت های اداری رو خیلی سریع تو محل کار یاد می گیرین. اونقدرها هم پیچیده نیست.
- 20 AMBER: OK good. So how long do people generally need temporary staff for?
باشه خوبه. به طور کلی اونا برای چه مدت به کارمند موقت نیاز دارن؟
- 21 It would be great if I could get something lasting at least a month.
خیلی خوب میشه اگه بتونم کاری حداقل برای یه ماه داشته باشم.
- 22 WILLIAM: That shouldn't be too difficult.
نباید خیلی سخت باشه.
- 23 But you're more likely to be offered something for a week at first, which might get extended.
اما به احتمال زیاد اولش یه کار یه هفته ای به شما پیشنهاد میشه که ممکنه بیشتر بشه.
- 24 It's unusual to be sent somewhere for just a day or two.
غیرعادیه که فقط برای یکی دو روز به جایی فرستاده بشید.
- 25 AMBER: Right. I've heard the pay isn't too bad - better than working in a shop or a restaurant.
درسته. شنیدم که دستمزدش خیلی بد نیست - بهتر از کار کردن تو یه مغازه یا رستورانه .
- 26 WILLIAM: Oh yes - definitely. The hourly rate is about £10, 11 if you're lucky.
اوه بله - قطعاً. نرخ ساعتی حدود ۱۰ پونده، اگه خوش شانس باشید ۱۱.
- 27 AMBER: That's pretty good. I was only expecting to get eight or nine pounds an hour.
خیلی خوبه. انتظار داشتم ساعتی فقط هشت یا نه پوند بگیرم.
- 28 WILLIAM: Do you want me to tell you anything about the registration process?
می خوای چیزی در مورد روند ثبت نام بهت بگم؟
- 29 AMBER: Yes, please. I know you have to have an interview.
بله، لطفاً. میدونم که باید مصاحبه داشته باشم.
- 30 WILLIAM: The interview usually takes about an hour and you should arrange that about a week in advance.
مصاحبه معمولاً حدود یه ساعت طول می کشه و شما باید اونو از یک هفته قبل هماهنگ کنید.

13 - Camb15-SECTION1-T1

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

47

13 - Camb15-SECTION1-T1

- 31 AMBER: I suppose I should dress smartly if it's for office work - I can probably borrow a suit from Mum.
فکر می‌کنم اگه برای کار اداریه باید لباس شیکی بپوشم - احتمالاً بتونم یه کت و شلوار از مامان قرض بگیرم.
- 32 WILLIAM: Good idea. It's better to look too smart than too casual.
ایده‌ی خوبیه. بهتره خیلی شیک به نظر برسید تا خیلی معمولی.
- 33 AMBER: Will I need to bring copies of my exam certificates or anything like that?
آیا باید کپی گواهینامه‌ی امتحان یا هر چیز دیگه ای رو بیارم؟
- 34 WILLIAM: Now they don't need to see those, I don't think.
فکر نمی‌کنم که اونا الان بخوان ببینمشون.
- 35 AMBER: What about my passport?
پاسپورتم چطور؟
- 36 WILLIAM: Oh yes - they will ask to see that. AMBER: OK.
اوه بله - اونا ازت می‌خوان که اونو ببینن. / باشه.
- 37 WILLIAM: I wouldn't get stressed about the interview though.
بهرحال من در مورد مصاحبه استرس نمیگیرم.
- 38 It's just a chance for them to build a relationship with you - so they can try and match you to a job which you'll like.
این فقط فرصتیه که اونا با شما ارتباط برقرار کنن - تا بتونن تلاش کنن و شما رو به شغلی که دوست دارین برسونن.
- 39 So there are questions about personality that they always ask candidates - fairly basic ones.
بنابراین سوالات نسبتاً ابتدایی در مورد شخصیت هست که اونا همیشه از کاندیداها می‌پرسن.
- 40 And they probably won't ask anything too difficult like what your plans are for the future. AMBER: Hope not.
و احتمالاً چیز خیلی سختی مثل اینکه برنامه‌هاات برای آینده چیه نخواهند پرسید. / امیدوارم نپرسن.
- 41 WILLIAM: Anyway, there are lots of benefits to using an agency -
به هر حال، استفاده از یه نمایندگی مزایای زیادی دارد -
- 42 for example, the interview will be useful because they'll give you feedback on your performance so you can improve next time.
مثلاً، مصاحبه مفید خواهد بود چون اونا به شما در مورد عملکردتون بازخورد میدن تا بتونید دفعه‌ی بعد پیشرفت کنید.
- 43 AMBER: And they'll have access to jobs which aren't advertised.
و اونا به مشاغلی که تبلیغ نشدن دسترسی خواهند داشت.
- 44 WILLIAM: Exactly - most temporary jobs aren't advertised.
دقیقاً - بیشتر مشاغل موقت تبلیغ نمیشن.
- 45 AMBER: And I expect finding a temporary job this way takes a lot less time - it's much easier than ringing up individual companies.
و من انتظار دارم که پیدا کردن شغل موقت به این روش زمان خیلی کمتری ببره - خیلی راحت تر از زنگ زدن به شرکت‌های مختلفه.
- 47 WILLIAM: Yes indeed. Well I think...
بله واقعا. خب فکر میکنم...

تمرین ۱۴ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

14 - Camb15-SECTION1-T2

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

14 - Camb15-SECTION1-T2

- 01 TIM: Good morning. You're through to the tourist information office, Tim speaking. How can I help you?
صبح بخیر. به دفتر اطلاعات گردشگری وصل شدید، تیم صحبت می کنه. چطور می تونم کمکتون کنم؟
- 02 JEAN: Oh hello. Could you give me some information about next month's festival, please?
اوه سلام. میشه لطفاً اطلاعاتی در مورد جشنواره ماه آینده به من بدید؟
- 03 My family and I will be staying in the town that week.
من و خانوادم تو اون هفته می خواهیم تو شهر بمونیم.
- 04 TIM: Of course. Well it starts with a concert on the afternoon of the 17th.
البته. خب جشنواره با یه کنسرت تو بعدازظهر هفدهم شروع میشه.
- 05 JEAN: Oh I heard about that. The orchestra and singers come from the USA, don't they?
اوه در موردش شنیدم. ارکستر و خواننده ها از آمریکا اومدن، اینطور نیست؟
- 06 TIM: They're from Canada. They're very popular over there.
از کانادا هستن. اونجا خیلی محبوبن.
- 07 They're going to perform a number of well-known pieces that will appeal to children as well as adults.
قراره تعدادی قطعه‌ی معروف رو اجرا کنن که هم برای بچه‌ها جذابه و هم بزرگسالان.
- 08 JEAN: That sounds good. My whole family are interested in music.
به نظر خوبه. تموم خانواده‌ی من به موسیقی علاقه دارن.
- 09 TIM: The next day, the 18th, there's a performance by a ballet company called Eustatis.
روز بعد، هجدهم، اجرای یه گروه باله به اسم Eustatis رو داریم.
- 10 JEAN: Sorry? TIM: The name is spelt E-U-S-T-A-T-I-S.
ببخشید؟ /اسمش اینجوری E-U-S-T-A-T-I-S نوشته میشه.
- 11 They appeared in last year's festival, and went down very well. Again, their programme is designed for all ages.
اونا تو جشنواره‌ی سال گذشته ظاهر شدن و خیلی خوب پیش رفتن. برنامه‌ی اونا هم برای تموم سنین طراحی شده.
- 12 JEAN: Good. I expect we'll go to that.
خوبه. فکر کنم که بتونیم شرکت کنیم.
- 13 I hope there's going to be a play during the festival, a comedy, ideally.
امیدوارم در طول جشنواره یه نمایش هم داشته باشیم، کمدی، مناسبه.
- 14 TIM: You're in luck! On the 19th and 20th a local amateur group are performing one written by a member of the group.
تو خوش شانسی! نوزدهم و بیستم یه گروه آماتور محلی نوشته‌ی یکی از اعضای گروه رو اجرا می کنن.
- 15 It's called *Jemima*. That'll be on in the town hall.
اسمش جمایما هست. تو تالار شهر اجرا خواهد شد.

14 - Camb15-SECTION1-T2

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

14 - Camb15-SECTION1-T2

- 16 They've already performed it two or three times.
اونو قبلاً دو یا سه بار اجراش کردن.
- 17 I haven't seen it myself, but the review in the local paper was very good.
من خودم اونو ندیدم، اما نقد اون تو روزنامه‌ی محلی خیلی خوب بود.
- 18 JEAN: And is it suitable for children?
و برای بچه ها مناسبه؟
- 19 TIM: Yes, in fact it's aimed more at children than at adults, so both performances are in the afternoon.
بله، در واقع بیشتر برای بچه‌هاست تا بزرگسالا، پس هر دو اجرا بعد از ظهر هستن.
- 20 JEAN: And what about dance? Will there be any performances?
و رقص چطور؟ آیا اجرایی وجود داره؟
- 21 TIM: Yes, also on the 20th, but in the evening.
بله، اونم بیستم، ولی شب.
- 22 A professional company is putting on a show of modern pieces, with electronic music by young composers. JEAN: Uh-huh.
یه شرکت حرفه‌ای یه نمایش از قطعات مدرن رو با موسیقی الکترونیک از آهنگسازای جوون به نمایش خواهد گذاشت. / اوه.
- 23 TIM: The show is about how people communicate, or fail to communicate, with each other, so it's got the rather strange name, Chat.
نمایش در مورد نحوه‌ی برقراری ارتباط یا عدم برقراری ارتباط افراد با همدیگهست. پس اسم نسبتاً عجیبی داره، "گپ و گفت".
- 24 JEAN: I suppose that's because that's something we do both face to face and online. TIM: That's right.
فکر می‌کنم به این دلیل اسمش اینه که این کاریه که ما هم در رو و هم آنلاین انجام میدیم. / درسته.
- 25 TIM: Now there are also some workshops and other activities.
در حال حاضر چند تا کارگاه و فعالیت‌های دیگه هم هست.
- 26 They'll all take place at least once every day, so everyone who wants to take part will have a chance.
همه‌ی اونو حداقل یه بار در روز برگزار میشن، پس هرکسی که بخواد شانس شرکت کردن داره.
- 27 JEAN: Good. We're particularly interested in cookery –
خوبه. ما به ویژه به آشپزی علاقه مندیم –
- 28 you don't happen to have a cookery workshop, do you?
از قضا کارگاه آشپزی ندارید، دارید؟
- 29 TIM: We certainly do. It's going to focus on how to make food part of a healthy lifestyle,
ما قطعاً برگزار می‌کنیم. این کارگاه روی چگونگی تبدیل غذا به بخشی از یه سبک زندگی سالم تمرکز خواهد کرد،
- 30 and it'll show that even sweet things like cakes can contain much less sugar than they usually do.
و نشون میده که حتی چیزهای شیرین مثل کیک‌ها می‌تونن حاوی قند خیلی کمتری نسبت به شرایط معمول باشن.

14 - Camb15-SECTION1-T2

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

14 - Camb15-SECTION1-T2

- 31 JEAN: That might be worth going to. We're trying to encourage our children to cook.
شاید ارزش رفتن داشته باشه. ما سعی می کنیم بچه هامون رو به آشپزی تشویق کنیم.
- 32 TIM: Another workshop is just for children, and that's on creating posters to reflect the history of the town.
یه کارگاه دیگه فقط برای بچه هاست و درمورد به وجود آوردن پوسترهایی برای انعکاس تاریخ شهره.
- 33 The aim is to make children aware of how both the town and people's lives have changed over the centuries.
هدف اینه که بچه ها رو هم از چگونگی تغییر شهر و هم از زندگی مردم در طول قرن ها مطلع کنیم.
- 34 The results will be exhibited in the community centre.
نتایج در مرکز اجتماعی به نمایش گذاشته میشه.
- 35 Then the other workshop is in toy-making, and that's for adults only.
کارگاه دیگه در زمینه ی ساخت اسباب بازی و فقط برای آموزشه.
- 36 JEAN: Oh, why's that? TIM: Because it involves carpentry - participants will be making toys out of wood,
اوه، چرا؟ /چون نجاری رو پوشش میده- شرکت کننده ها از چوب اسباب بازی خواهند ساخت،
37 so there'll be a lot of sharp chisels and other tools around.
پس تعداد زیادی قلم خراطی تیز و ابزارهای دیگه اون اطراف هست.
- 38 JEAN: It makes sense to keep children away from it.
دور نگه داشتن بچه ها منطقیه.
- 39 TIM: Exactly. Now let me tell you about some of the outdoor activities.
دقیقا. حالا اجازه بدین در مورد بعضی از فعالیت های خارجی بهتون بگم.
- 40 There'll be supervised wild swimming ...
شنای وحشی تحت نظارت داریم...
- 41 JEAN: Wild swimming? What's that?
شنای وحشی؟ چی هست؟
- 42 TIM: It just means swimming in natural waters, rather than a swimming pool.
یعنی شنا کردن تو آب های طبیعی، نه استخر.
- 43 JEAN: Oh OK. In a lake, for instance.
اوه باشه. مثلا تو یه دریاچه.
- 44 TIM: Yes, there's a beautiful one just outside the town, and that'll be the venue for the swimming.
بله، یه قشنگش خارج از شهر وجود داره، و محلی برای شناست.
- 45 There'll be lifeguards on duty, so it's suitable for all ages.
غریق نجاتها اونجا در حال انجام وظیفه خواهند بود، بنابراین برای همه سنین مناسبه.

14 - Camb15-SECTION1-T2

46

47

48

49

50

51

52

53

54

14 - Camb15-SECTION1-T2

- 46 And finally, there'll be a walk in some nearby woods every day.
و در نهایت، هر روز پیاده‌روی تو بعضی از جنگل‌های نزدیک داریم.
- 47 The leader is an expert on insects.
رهبر گروه متخصص حشرات.
- 48 He'll show some that live in the woods, and how important they are for the environment.
تعدادی رو که تو جنگل زندگی می‌کنن، بهتون نشون میده و میگه که چقدر برای محیط زیست مهمن.
- 49 So there are going to be all sorts of different things to do during the festival.
پس در طول جشنواره کارهای مختلفی برای انجام دادن وجود داره.
- 50 JEAN: There certainly are.
مطمئناً وجود داره.
- 51 TIM: If you'd like to read about how the preparations for the festival are going, the festival organiser is keeping a blog.
اگه می‌خواید در مورد چگونگی مقدمات جشنواره مطالعه کنید، برگزارکننده جشنواره یه وبلاگ داره.
- 52 Just search online for the festival website, and you'll find it.
کافیه وب سایت جشنواره رو به صورت آنلاین جستجو کنید. پیداش می‌کنید.
- 53 JEAN: Well, thank you very much for all the information.
خب، خیلی ممنون از همه اطلاعاتتون.
- 54 TIM: You're welcome. Goodbye. JEAN: Goodbye.
خوش اومدید. خداحافظ. / خداحافظ.

تمرین ۱۵ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

15 - Camb15-SECTION1-T3

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

15 - Camb15-SECTION1-T3

- 01 SALLY: Good morning. Thanks for coming in to see us here at the agency, Joe.
صبح بخیر. از اینکه اومدی تا ما رو تو آژانس ببینی، ممنونم جو.
- 02 I'm one of the agency representatives, and my name's Sally Baker.
من یکی از نماینده‌های آژانس هستم و اسمم سالی بیکره.
- 03 JOE: Hi Sally. I think we spoke on the phone, didn't we?
سلام سالی. فکر کنم تلفنی صحبت کردیم، نه؟
- 04 SALLY: That's right, we did. So thank you for sending in your CV.
درسته، صحبت کردیم. از ارسال رزومت ممنونم.
- 05 We've had quite a careful look at it and I think we have two jobs that might be suitable for you.
ما با دقت بررسیش کردیم و فکر می‌کنم دو تا شغل داریم که ممکنه برای شما مناسب باشه. / باشه.
- 06 JOE: OK.
SALLY: The first one is in a company based in North London.
اولیش تو یه شرکته که تو شمال لندنه.
- 07 They're looking for an administrative assistant.
اونا دنبال یه دستیار اداری هستن.
- 08 JOE: OK. What sort of company is it?
باشه. چه نوع شرکته هست؟
- 09 SALLY: They're called Home Solutions and they design and make furniture.
بهشون Home Solutions میگن و مبلمان طراحی و تولید می‌کنن.
- 10 JOE: Oh, I don't know much about that, but it sounds interesting.
اوه، من چیز زیادی در موردش نمی‌دونم، اما جالب به نظر میرسه.
- 11 SALLY: Yes, well as I said, they want someone in their office, and looking at your past experience
بله، همونطور که گفتم، اونا یه نفر رو برای دفترشون می‌خوان و با توجه به تجربه‌ی گذشته شما
12 it does look as if you fit quite a few of the requirements.
به نظر میرسه که با تعدادی از معیارهای مورد نیاز مطابقت دارید.
- 13 So on your CV it appears you've done some data entry? JOE: Yes.
انگار تو رزومتون همچین اطلاعاتی دارین؟ / بله.
- 14 SALLY: So that's one skill they want.
این یکی از مهارت هاییه که اونا می‌خوان .
- 15 Then they expect the person they appoint to attend meetings and take notes there ...
پس از شخصی که منصوب کردن انتظار دارن که تو جلسات شرکت کنه و یادداشت برداری کنه...

15 - Camb15-SECTION1-T3

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

15 - Camb15-SECTION1-T3

- 16 JOE: OK. I've done that before, yes.
 باشه. قبلاً این کار رو انجام دادم، بله.
- 17 SALLY: And you'd need to be able to cope with general admin.
 و باید بتونید با مدیر عمومی کنار بیاید.
- 18 JOE: Filing, and keeping records and so on?
 تشکیل پرونده، و نگهداری سوابق و غیره؟
- 19 That should be OK. And in my last job I also had to manage the diary.
 نباید مشکلی باشه. و تو آخرین کارم مجبور بودم کارهای روزانه رو هم مدیریت کنم.
- 20 SALLY: Excellent. That's something they want here too.
 عالیه. اینجا هم همچین چیزی می خوان.
- 21 I'd suggest you add it to your CV – I don't think you mentioned that, did you? JOE: No.
 پیشنهاد می کنم که به رزومتون اضافه کنید - فکر نکنم بهش اشاره کرده باشید، درسته؟ / نه.
- 22 SALLY: So as far as the requirements go, they want good computer skills, of course, and they particularly mention spreadsheets.
 تا اونجایی که معیارها مورد توجهن، اونا شخصی میخوان با مهارت های کامپیوتری خوب، و به ویژه مهارت های صفحه ی گسترده (مهارت های نرم افزارهای اطلاعاتی و محاسباتی مانند اکسل) رو ذکر کردن.
- 23 JOE: That should be fine.
 نباید مشکلی باشه.
- 24 SALLY: And interpersonal skills - which would be something they'd check with your references.
 و مهارت های بین فردی (مهارت های اجتماعی و ارتباطات) - که چیزیه که تو نامه های معرفی شما بررسی می کنن.
- 25 JOE: I think that should be OK, yes.
 فکر می کنم که باید خوب باشه، بله.
- 26 SALLY: Then they mention that they want someone who is careful and takes care with details –
 بعدش گفتن که کسی رو می خوان که دقیق باشه و به جزئیات اهمیت بده.
- 27 just looking at your CV, I'd say you're probably alright there.
 فقط با نگاه کردن به رزومتون، می تونم بگم که احتمالاً برای این کار خوبید.
- 28 JOE: I think so, yes. Do they want any special experience?
 منم موافقم، بله. اونا تجربه ی خاصی مد نظرشونه؟
- 29 SALLY: I think they wanted some experience of teleconferencing.
 فکر کنم کسی رو با تجربه ی کنفرانس تلفنی می خوان.
- 30 JOE: I've got three years' experience of that.
 من سه سال تو این زمینه تجربه دارم.

15 - Camb15-SECTION1-T3

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

15 - Camb15-SECTION1-T3

- 31 SALLY: Let's see, yes, good. In fact they're only asking for at least one year, so that's great.
بزار ببینم، بله، خوبه. در واقع اونا حداقل کسی رو با یه سال تجربه کاری می‌خوان.
- 32 So is that something that might interest you?
چیزی هست که ممکنه براتون جالب باشه؟
- 33 JOE: It is, yes. The only thing is, you said they were in North London
هست، آره فقط گفتین که تو شمال لندن بودن
- 34 so it would be quite a long commute for me. SALLY: OK
رفت و آمد برای من یه خرده طولانیه. / باشه
- 35 SALLY: So the second position might suit you better as far as the location goes;
پس با توجه به موقعیت مکانی، احتمالاً موقعیت شغلی دوم برای شما بهتر باشه؛
- 36 that's for a warehouse assistant and that's in South London.
دستیاری یه انباره و جنوب لندنه.
- 37 JOE: Yes, that would be a lot closer.
بله، خیلی نزدیک تره.
- 38 SALLY: And you've worked in a warehouse before, haven't you? JOE: Yes.
و شما قبلاً تو یه انبار کار کردین، اینطور نیست؟ / بله.
- 39 SALLY: So as far as the responsibilities for this position go, they want someone who can manage the stock, obviously, and also deliveries.
تا جایی که مسئولیت‌های این شغل تعریف شده، واضحه که اونا کسی رو می‌خوان که سهام و همچنین مراحل تحویل کالا رو مدیریت کنه.
- 40 JOE: That should be OK. You've got to keep track of stuff,
باید خوب باشه. شما باید چیزا رو پیگیری کنید،
- 41 but I've always been quite good with numbers.
ولی من همیشه با اعداد خوب بودم.
- 42 SALLY: Good, that's their first requirement.
خب، این اولین نیاز اوناست.
- 43 And they want someone who's computer literate, which we know you are. JOE: Sure.
و کسی رو می‌خوان که به کامپیوتر مسلط باشه، که ما می‌دونیم شما هستید. / حتما.
- 44 SALLY: Then they mention organisational skills.
بعد از اون به مهارت‌های سازمانی اشاره شده.
- 45 They want someone who's well organised.
اونا کسی رو می‌خوان که خیلی منظم باشه.

15 - Camb15-SECTION1-T3

46

47

48

49

50

51

52

53

54

55

56

57

58

59

60

15 - Camb15-SECTION1-T3

46 JOE: Yes, I think I am. SALLY: And tidy?

بله، فکر می‌کنم هستم. / و مرتب؟

47 JOE: Yes, they go together really, don't they?

بله، اونا واقعا مکمل همن، اینطور نیست؟

48 SALLY: Sure. Then the usual stuff, they want someone who can communicate well both orally and in writing.

مطمئنا. بعدش چیزای معمولی، اونا کسی رو می‌خوان که هم به صورت شفاهی و هم به صورت کتبی به خوبی ارتباط برقرار کنه.

49 JOE: OK. And for the last warehouse job I had, one of the things I enjoyed most was being part of a team.

باشه. و تو آخرین شغل انباری که داشتیم، یکی از بیشترین چیزهایی که ازش لذت بردم، تو یه تیم بودن بود.

50 I found that was really essential for the job.

فهمیدم که این واقعا برای کار ضروریه.

51 SALLY: Excellent. Yes, they do mention that they want someone who's used to that, yes.

عالیه. بله، اونا اشاره کردند که کسی رو می‌خوان که به کار تیمی عادت داشته باشه، بله.

52 Now when you were working in a warehouse last time, what sorts of items were you dealing with?

آخرین باری که تو یه انبار کار می‌کردید، با چه نوع اقلامی سروکار داشتید؟

53 JOE: It was mostly bathroom and kitchen equipment, sinks and stoves and fridges.

بیشتر تجهیزات حموم و آشپزخونه، سینک و اجاق گاز و یخچال بود.

54 SALLY: So you're OK moving heavy things?

پس برای جا به جا کردن چیزای سنگین مشکلی ندارین؟

55 JOE: Sure. I'm quite strong, and I've had the training.

مطمئنا ندارم. من کاملا قوی هستم و تمرینات لازم رو پشت سر گذاشتم.

56 SALLY: Good. Now as far as experience goes, they mention they want someone with a licence, and that you have experience of driving in London –

خوبه. حالا تا اونجا که تجربه لازم، اونا میگوین که یه نفر با گواهینامه‌ی رانندگی می‌خوان، و اینکه شما تجربه‌ی رانندگی تو لندن رو دارین –

57 so you can cope with the traffic and so on. JOE: Yes, no problem.

پس می‌تونید با ترافیک و غیره کنار بیاید. / بله، مشکلی نیست.

58 SALLY: And you've got experience of warehouse work ... and the final thing they mention is customer service.

و شما تجربه‌ی کار تو انبار رو دارید ... و آخرین چیزی که اونا اشاره کردن خدمات مشتری.

59 I think looking at your CV you're OK there.

با توجه به رزومتون من فکر می‌کنم که شما مناسب اونجاییید.

60 JOE: Right. So what about pay? Can you tell me a bit more about that, please...

خوبه. بابت حقوق چطور؟ میشه کمی بیشتر در موردش توضیح بدین لطفا...

تمرین ۱۶ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

16 - Camb15-SECTION1-T4

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

16 - Camb15-SECTION1-T4

- 01 MAN: Hello. Do you mind if I ask you some questions about your journey today?
سلام. مشکلی نیست که درباره ی سفر امروزتون چند تا سوال از شما بپرسم؟
- 02 We're doing a customer satisfaction survey.
داریم نظرسنجی رضایت مشتری انجام میدیم.
- 03 SOPHIE: Yes. OK. I've got about ten minutes before my train home leaves. I'm on a day trip.
بله. خوبه. من حدود ده دقیقه تا حرکت قطارم به سمت خونه فرصت دارم. تو یه سفر یه روزه هستم.
- 04 MAN: Great. Thank you. So first of all, could you tell me your name? SOPHIE: It's Sophie Bird.
عالیه. ممنون. پس اول از همه، ممکنه اسمتون رو بهم بگید؟ / سوفی برد.
- 05 MAN: Thank you. And would you mind telling me what you do? SOPHIE: I'm a journalist.
متشکرم. و میشه به من بگید شغلتون چیه؟ / من یه روزنامه نگار هستم.
- 06 MAN: Oh really? That must be interesting.
اوه واقعا؟ باید جالب باشه.
- 07 SOPHIE: Yes. It is. MAN: So was the reason for your visit here today work?
بله. هست. / پس دلیل سفر امروزتون به اینجا شغلتون بود؟
- 08 SOPHIE: Actually, it's my day off.
در واقع، روز مرخصی منه.
- 09 I came here to do some shopping. MAN: Oh right.
برای خرید اومدم اینجا. / اوه درسته.
- 10 SOPHIE: But I do sometimes come here for work.
اما گاهی وقتها هم برای کار میام.
- 11 MAN: OK. Now I'd like to ask some questions about your journey today, if that's OK. SOPHIE: Yes. No problem.
باشه. حالا می خوام چند تا سوال در مورد سفر امروزتون بپرسم، اگه مشکلی نیست. / بله. مشکلی نیست.
- 12 MAN: Right, so can you tell me which station you're travelling back to?
درسته، پس می تونید به من بگید با کدوم ایستگاه برمی گردید؟
- 13 SOPHIE: Staunfirth, where I live.
ایستگاه استنفرت، جایی که زندگی می کنم.
- 14 MAN: Can I just check the spelling? S-T-A-U-N-F-I-R-T-H?
می تونم املاش رو چک کنم؟ S-T-A-U-N-F-I-R-T-H؟
- 15 SOPHIE: That's right. MAN: And you travelled from there this morning? SOPHIE: Yes.
درسته. / و امروز صبح از اونجا سفر کردین؟ / بله.

16 - Camb15-SECTION1-T4

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

16 - Camb15-SECTION1-T4

- 16 MAN: OK, good. Next, can I ask what kind of ticket you bought?
 باشه، خوبه. سوال بعدی، میتونم بپرسم چه نوع بلیطی خریدید؟
- 17 I assume it wasn't a season ticket, as you don't travel every day.
 فکر می‌کنم بلیط فصلی نبود، چون شما هر روز سفر نمی‌کنید.
- 18 SOPHIE: That's right. No, I just got a normal return ticket.
 درسته. نه، من فقط یه بلیط رفت و برگشت معمولی گرفتم.
- 19 I don't have a rail card so I didn't get any discount.
 من کارت راه آهن ندارم پس هیچ تخفیفی هم نگرفتم.
- 20 I keep meaning to get one because it's a lot cheaper.
 قصد دارم که یکی بگیرم چون خیلی ارزون تره.
- 21 MAN: Yes - you'd have saved 20% on your ticket today.
 بله - با اون می‌تونستی ۲۰ درصد از پول بلیط امروز رو پس انداز کنی.
- 22 So you paid the full price for your ticket?
 پس تمام قیمت بلیط رو پرداخت کردید؟
- 23 SOPHIE: I paid £23.70 MAN:OK.
 من ۲۳,۷۰ پوند پرداخت کردم. / باشه.
- 24 MAN: Do you think that's good value for money?
 به نظر شما ارزش این مبلغ رو داره؟
- 25 SOPHIE: Not really. I think it's too much for a journey that only takes 45 minutes.
 نه واقعا. من فکر می‌کنم برای سفری که فقط ۴۵ دقیقه طول می‌کشه، خیلی زیاده.
- 26 MAN: Yes, that's one of the main complaints we get.
 بله، این یکی از شکایتهای اصلی ماست.
- 27 So, you didn't buy your ticket in advance?
 پس بلیط خودتون رو از قبل نخریدید؟
- 28 SOPHIE: No. I know it's cheaper if you buy a week in advance but I didn't know I was coming then.
 نه. می‌دونم که اگه یه هفته زودتر بخری ارزون تره، ولی اون موقع نمی‌دونستم که می‌خوام بیام.
- 29 MAN: I know. You can't always plan ahead.
 می‌دونم. همیشه نمیشه از قبل برنامه‌ریزی کرد.
- 30 So, did you buy it this morning?
 خب، امروز صبح خریدید؟

16 - Camb15-SECTION1-T4

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

16 - Camb15-SECTION1-T4

- 31 SOPHIE: No, it was yesterday.
نه، دیروز بود.
- 32 MAN: Right. And do you usually buy your tickets at the station?
درسته. و معمولاً بلیط‌ها تون رو تو ایستگاه می خرید؟
- 33 SOPHIE: Well, I do usually but the ticket office closes early and I hate using ticket machines.
خب، معمولاً این کار رو می‌کنم، ولی دفتر فروش بلیط زود تعطیل میشه و من متنفرم که از دستگاه‌های بلیط فروشی استفاده کنم.
- 34 I think ticket offices should be open for longer hours.
به نظرم دفاتر فروش بلیط باید برای ساعات بیشتری باز باشن.
- 35 There's always a queue for the machines and they're often out of order.
همیشه یه صف برای دستگاه‌های بلیط فروشی وجود داره و اونام اغلب خراب هستن.
- 36 MAN: A lot of customers are saying the same thing.
خیلی از مشتریها همینو میگن.
- 37 SOPHIE: So to answer your question ... I got an e-ticket online.
برای جواب سوال شما... من یه بلیط الکترونیکی آنلاین گرفتم.
- 38 MAN: OK. Thank you. Now I'd like to ask you about your satisfaction with your journey.
باشه. متشکرم. الان می‌خوام از شما در مورد رضایتمندی از سفرتون بپرسم.
- 39 So what would you say you were most satisfied with today?
پس همیشه بگید که امروز بیشتر از همه از چی راضی بودید؟
- 40 SOPHIE: Well, I like the wifi on the train.
خب، من وای فای قطار رو دوست دارم.
- 41 It's improved a lot. It makes it easier for me to work if I want to.
خیلی پیشرفت کرده. اگه بخوام کار کنم، کارمو راحت‌تر می‌کنه.
- 42 MAN: That's the first time today anyone's mentioned that.
امروز اولین باره که کسی به این مورد اشاره کرده.
- 43 It's good to get some positive feedback on that. SOPHIE: Mmm.
خوبه که بازخورد خوبی ازش بگیریم. / ممم.
- 44 MAN: And, is there anything you weren't satisfied with?
و چیزی هم بود که ازش رضایت نداشته باشید؟
- 45 SOPHIE: Well, normally, the trains run on time and are pretty reliable but today there was a delay, the train was about 15 minutes behind schedule.
خب، به طور معمول، قطارها به موقع حرکت می‌کنن و خیلی قابل اعتماد هستن، اما امروز تاخیر داشت، قطار حدود ۱۵ دقیقه از برنامه عقب بود.

16 - Camb15-SECTION1-T4

46

47

48

49

50

51

52

53

54

55

56

57

58

59

60

61

16 - Camb15-SECTION1-T4

- 46 MAN: OK. I'll put that down. Now I'd also like to ask about the facilities at this station,
باشه. می نویسمش. حالا می خوام در مورد امکانات این ایستگاه بپرسم،
- 47 You've probably noticed that the whole station's been upgraded.
احتمالاً متوجه شدید که کل ایستگاه ارتقا پیدا کرده.
- 48 What are you most satisfied with?
از چی بیشتر راضی هستید؟
- 49 SOPHIE: I think the best thing is that they've improved the amount of information about train times etc. that's given to passengers - it's much clearer -
فکر کنم بهترین چیز اینه که میزان اطلاعاتی رو که در مورد ساعت قطار و چیزای دیگه به مسافران داده میشه، بهبود بخشیدن - خیلی واضح تر شده -
- 50 before there was only one board and I couldn't always see it properly - which was frustrating.
قبل از اون، فقط یه تابلو وجود داشت و من همیشه نمی تونستم درست ببینمش - که مایوس کننده بود.
- 51 MAN: That's good. And is there anything you're not satisfied with?
خوبه. چیزی هم هست که ازش راضی نباشین؟
- 52 SOPHIE: Let's see ... I think things have generally improved a lot.
بزارید ببینم... فکر کنم همه چیز به طور کلی خیلی بهتر شده.
- 53 The trains are much more modern and I like the new café.
قطارها بسیار مدرن تر شدن و کافه‌ی جدید رو دوست دارم.
- 54 But one thing is that there aren't enough places to sit down, especially on the platforms.
اما فقط یه چیزی اونم اینه که جا برای نشستن وجود نداره، به خصوص در ایستگاه ها.
- 55 MAN: OK - SO I'll put "seating" down, shall I, as the thing you're least satisfied with? SOPHIE: Yes. OK.
باشه - پس من "جا برای نشستن" رو به عنوان چیزی که کمتر ازش راضی هستید می نویسم؟ / بله. خوبه.
- 56 MAN: Can I ask your opinion about some of the other facilities?
می تونم نظرتون رو در مورد بعضی از امکانات دیگه بپرسم؟
- 57 We'd like feedback on whether people are satisfied, dissatisfied or neither satisfied nor dissatisfied.
SOPHIE: OK.
ما می خوایم در مورد اینکه آیا مردم راضی هستن، ناراضی هستن یا نه راضی و نه ناراضی هستن، بازخورد ارائه کنیم. / باشه.
- 58 MAN: What about the parking at the station?
در مورد پارکینگ تو ایستگاه چطور؟
- 59 SOPHIE: Well to be honest, I don't really have an opinion as I never use it.
راستش رو بخواین، من واقعاً نظری ندارم چون هیچوقت ازش استفاده نمی کنم.
- 60 MAN: So, neither satisfied nor dissatisfied for that then.
پس نه راضی و نه ناراضی.
- 61 SOPHIE: Yes, I suppose so ... MAN: OK, and what about...?
بله، فکر می کنم همینطوره... / باشه و در مورد...؟

تمرین ۱۷ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

17 - Camb16-SECTION1-T1

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

17 - Camb16-SECTION1-T1

- 01 SARAH: Hello. Children's Engineering Workshops.
سلام. کارگاه‌های مهندسی کودکان.
- 02 FATHER: Oh hello. I wanted some information about the workshops in the school holidays.
SARAH: Sure.
اوه سلام. در مورد کارگاه‌های آموزشی در طول تعطیلات مدرسه اطلاعاتی می‌خواستم. / حتما.
- 03 FATHER: I have two daughters who are interested.
من دو تا دختر دارم که علاقه مند هستن.
- 04 The younger one's Lydia, she's four - do you take children as young as that?
کوچک‌ترین لیدیاست. چهار سالشه - بچه‌های به این کوچیکی رو قبول می‌کنین؟
- 05 SARAH: Yes, our Tiny Engineers workshop is for four to five-year-olds.
بله، کارگاه مهندسی کوچک ما برای بچه‌های چهار تا پنج سالست.
- 06 FATHER: What sorts of activities do they do?
چه نوع فعالیت‌هایی انجام میدن؟
- 07 SARAH: All sorts. For example, they work together to design a special cover that goes round an egg,
همه نوع. مثلا، اونا با هم کار می‌کنن تا به پوشش مخصوص برای دور تخم مرغ طراحی کنن.
08 so that when it's inside they can drop it from a height and it doesn't break.
تا وقتی که داخله اون پوشش باشه، از ارتفاع بندازنش و نشکنه.
- 09 Well, sometimes it does break but that's part of the fun!
خب، گاهی اوقات می‌شکنه، اما همین سرگرم کنندست!
- 10 FATHER: Right. And Lydia loves building things.
درسته. و لیدیا عاشق ساختن چیزهاست.
- 11 Is there any opportunity for her to do that?
فرصتی براش وجود دارد که این کار رو انجام بده؟
- 12 SARAH: Well, they have a competition to see who can make the highest tower.
خب، اونا به مسابقه دارن تا ببینن کی می‌تونه بلندترین برج رو بسازه.
- 13 You'd be amazed how high they can go. FATHER: Right.
تعجب می‌کنید که برج‌های اونا چقدر می‌تونه بالا بره. / درسته.
- 14 SARAH: But they're learning all the time as well as having fun.
اما در عین حال که سرگرم هستند، همیشه هم در حال یادگیری هستن.
- 15 For example, one thing they do is to design and build a car that's attached to a balloon, and the force of the air in that actually powers the car and makes it move along.
مثلا، یه کاری که اونا می‌کنن طراحی و ساخت ماشینیه که به یه بالون متصله و در واقع نیروی هوای داخل اون به ماشین نیرو می‌ده و اونو به حرکت در میاره.

17 - Camb16-SECTION1-T1

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

17 - Camb16-SECTION1-T1

16 They go really fast too.

خیلی هم سریع میرن.

17 SARAH: OK, well, all this sounds perfect.

باشه، خوب، همه چی عالی به نظر میرسه.

18 FATHER: Now Carly, that's my older daughter, has just had her seventh birthday,

حالا کارلی. دختر بزرگتر منه. تازه هفت سالش شده.

19 so presumably she'd be in a different group?

احتمالاً تو یه گروه متفاوته؟

20 SARAH: Yes, she'd be in the Junior Engineers.

بله، تو مهندسين جوان قرار می گیره.

21 That's for children from six to eight.

برای بچه های بین شیش تا هشت سالست.

22 FATHER: And do they do the same sorts of activities?

و اونا فعالیتهای مشابهی انجام میدن؟

23 SARAH: Some are the same, but a bit more advanced.

بعضی هاش مثل همین، ولی کمی پیشرفته تر.

24 So they work out how to build model vehicles, things like cars and trucks,

اونا نحوه ی ساخت ماکت یا نمونه ی وسایل نقلیه مثل اتومبیل و کامیون رو تمرین می کنن.

25 but also how to construct animals using the same sorts of material and technique, and then they learn how they can program them and make them move.

همچنین اینکه چطور حیوانات رو با استفاده از همون مواد و تکنیک بسازن، و بعدش یاد می گیرن که چطور می تونن اونا رو برنامه ریزی کنن و به حرکت در بیارن.

26 FATHER: So they learn a bit of coding?

پس کمی کدنویسی یاد می گیرن؟

27 SARAH: They do. They pick it up really quickly.

یاد می گیرن. خیلی زود درکش می کنن.

28 We're there to help if they need it, but they learn from one another too.

ما اونجا هستیم تا در صورت نیاز کمک کنیم، اما اونا از همدیگه هم یاد می گیرن.

29 FATHER: Right. And do they have competitions too?

درسته. مسابقه هم دارن.

30 SARAH: Yes, with the Junior Engineers, it's to use recycled materials like card and wood to build a bridge, and the longest one gets a prize.

بله، برای مهندسين جوان، استفاده از مواد بازیافتی مثل کارت و چوب برای ساختن پل، و طولانی ترین پل جایزه می گیره.

17 - Camb16-SECTION1-T1

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

17 - Camb16-SECTION1-T1

- 31 FATHER: That sounds fun. I wouldn't mind doing that myself!
بامزه به نظر میرسه. من خودم بدم نمیداد اینکارو بکنم!
- 32 SARAH: Then they have something a bit different, which is to think up an idea for a five-minute movie and then film it, using special animation software.
اونایه چیز متفاوت دارن، که فکر کردن به یه فیلم پنج دقیقه ای و سپس فیلمبرداری اون با استفاده از نرم افزار مخصوص انیمیشن.
- 33 You'd be amazed what they come up with.
از این که چه چیزی به ذهنشون میرسه، شگفت زده میشید.
- 34 FATHER: And of course, that's something they can put on their phone and take home to show all their friends.
و البته، این چیزیه که اونا می تونن رو تلفن خودشون بریزن و بیرن خونه تا به همه ی دوستاشون نشون بدن.
- 35 SARAH: Exactly. And then they also build a robot in the shape of a human,
دقیقا. بعدش یه روبات به شکل انسان می سازن،
- 36 and they decorate it and program it so that it can move its arms and legs.
و اونو طوری تزئین و برنامه ریزی می کنن که بتونه دست و پاش رو حرکت بده.
- 37 FATHER: Perfect. So, is it the same price as the Tiny Engineers?
عالیه. قیمتش با قیمت مهندسین کوچک یکسانه؟
- 38 SARAH: It's just a bit more: £50 for the five weeks.
فقط کمی بیشتره: ۵۰ پوند برای پنج هفته.
- 39 FATHER: And are the classes on a Monday, too?
و کلاسها دوشنبه هستن، درسته؟
- 40 SARAH: They used to be, but we found it didn't give our staff enough time to clear up after the first workshop, so we moved them to Wednesdays.
قبلا بودن، ولی متوجه شدیم که کارکنان ما بعد از اولین کارگاه فرصت کافی برای تمیزکاری ندارن، پس اونا رو به چهارشنبهها منتقل کردیم.
- 41 The classes are held in the morning from ten to eleven.
کلاسها از ساعت ده تا یازده صبح برگزار میشن.
- 42 FATHER: OK. That's better for me actually.
باشه. راستش این برای من بهتره.
- 43 And what about the location? Where exactly are the workshops held?
و در مورد مکان چی؟ کارگاهها دقیقا کجا برگزار میشن؟
- 44 SARAH: They're in building 10A – there's a big sign on the door, you can't miss it, and that's in Fradstone Industrial Estate.
تو ساختمان 10A هستن - یه تابلوی بزرگ روی در وجود داره که محاله نبینیدش. تو شهرک صنعتی فرادستون هست.
- 45 FATHER: Sorry? SARAH: Fradstone - that's F-R-A-D-S-T-O-N-E.
بخشید؟ / فرادستون - اینجوریه - F-R-A-D-S-T-O-N-E

17 - Camb16-SECTION1-T1

46

47

48

49

50

51

17 - Camb16-SECTION1-T1

46 FATHER: And that's in Grasford, isn't it?

و تو گراسفورد، اینطور نیست؟

47 SARAH: Yes, up past the station.

بله، بعد از ایستگاه.

48 FATHER: And will I have any parking problems there?

آیا من اونجا مشکل پارک کردن خواهم داشت؟

49 SARAH: No, there's always plenty available.

نه، همیشه کلی پارکینگ در دسترسه.

50 So would you like to enrol Lydia and Carly now? FATHER: OK.

خب الان می‌خواهین لیدیا و کارلی رو ثبت نام کنین؟ / باشه.

51 SARAH: So can I have your full name...

پس می‌تونم اسم کاملتون رو داشته باشم...

تمرین ۱۸ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

18 - Camb16-SECTION1-T2

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

18 - Camb16-SECTION1-T2

01 EMPLOYEE: Hello, Picturerep. Can I help you?

سلام، Picturerep. میتونم کمکتون کنم؟

02 WOMAN: Oh, hi. I saw your advertisement about copying pictures to disk

اوه، سلام. من تبلیغ شما در مورد کپی کردن تصاویر روی دیسک رو دیدم

03 and I'd like a bit more information about what you do.

و مشتاقم کمی اطلاعات بیشتری در مورد کاری که انجام میدید دریافت کنم.

04 EMPLOYEE: Sure. What would you like to know?

حتما. چی می‌خواید بدونید؟

05 WOMAN: Well, I've got a box full of old family photos that's been up in the attic for years, some of them must be 50 or 60 years old,

خب، من یه جعبه پر از عکس‌های خانوادگی قدیمی دارم که سال‌هاست تو اتاق زیر شیروونیه. بعضی‌هاشون باید ۵۰ یا ۶۰ ساله باشن.

06 and I'd like to get them converted to digital format.

و می‌خوام اونا رو به فرمت دیجیتال تبدیل کنم.

07 EMPLOYEE: Sure, we can do that for you.

حتما، ما می‌تونیم این کار رو برای شما انجام بدیم.

08 WOMAN: Right. And what about size?

درسته. و در مورد اندازه چطور؟

09 The photos are all sorts of sizes – are there any restrictions?

عکس‌ها تو اندازه‌های مختلف هستن – محدودیتی وجود داره؟

10 EMPLOYEE: Well the maximum size of photo we can do with our normal service is 30 centimetres.

خب، حداکثر اندازه عکسی که می‌تونیم با خدمات معمولی انجام بدیم ۳۰ سانتی متره.

11 And each picture must be at least 4 centimetres, that's the minimum we can cope with.

و هر تصویر باید حداقل ۴ سانتی‌متر باشه، این حداقل چیزیه که می‌تونیم از پشش بر بیایم.

12 WOMAN: That should be fine. And some of them are in a frame –

مشکلی نیست. و بعضی از اونا تو یه قاب هستن -

13 should I take them out before I send them?

باید قبل از ارسال اونا رو بیرون بیارم؟

14 EMPLOYEE: Yes please, we can't copy them otherwise.

بله لطفاً، در غیر این صورت نمی‌تونیم اونا رو کپی کنیم.

15 And also the photos must all be separate, they mustn't be stuck into an album.

و همچنین عکس‌ها باید همه جدا باشن. نباید به آلبوم چسبیده باشن.

18 - Camb16-SECTION1-T2

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

18 - Camb16-SECTION1-T2

16 WOMAN: OK, that's not a problem.

باشه، مشکلی نیست.

17 So can you give me an idea of how much this will cost?

پس می‌تونید به من بگید که هزینهش چقدر میشه؟

18 I've got about 360 photos I think.

فکر کنم حدود ۳۶۰ تا عکس دارم.

19 EMPLOYEE: We charge £195 for 300 to 400 photos for the basic service.

ما ۱۹۵ پوند برای ۳۰۰ تا ۴۰۰ عکس جهت خدمات اولیه دریافت می‌کنیم.

20 WOMAN: OK. And does that include the disk?

باشه. و شامل دیسک هم میشه؟

21 EMPLOYEE: Yes, one disk – but you can get extra ones for £5 each.

بله، یه دیسک – اما می‌تونید هر دیسک اضافی رو با ۵ پوند دریافت کنید.

22 WOMAN: That's good. So do I need to pay when I send you the photos?

خوبه. پس باید موقع ارسال عکس‌ها پول پرداخت کنم؟

23 EMPLOYEE: No, we won't need anything until we've actually copied the pictures.

نه، تا زمانی که تصاویر را رو کپی نکنیم، چیزی نخواهیم گرفت.

24 Then we'll let you know how much it is, and once we've received the payment, we'll send the parcel off to you. WOMAN: Right

بعدش به شما اطلاع میدیم که هزینه‌اش چقدر شده، و بعد از دریافت هزینه، بسته‌ها رو برای شما ارسال خواهیم کرد. / درسته.

25 EMPLOYEE: Is there anything else you'd like to ask about our services?

چیز دیگه‌ای هم هست که بخواین در مورد خدمات ما پرسید؟

26 WOMAN: Yes. I've roughly sorted out the photos into groups, according to what they're about –

بله. من تقریباً بر اساس موضوع، عکس‌ها رو به چند گروه تقسیم کردم.

27 so can you keep them in those groups when you copy them?

می‌تونید وقتی اونا رو کپی می‌کنید، تو اون گروه‌ها نگه دارید؟

28 EMPLOYEE: Sure. We'll save each group in a different folder on the disk

مطمئناً. ما هر گروه رو تو یه پوشه‌ی متفاوت روی دیسک ذخیره می‌کنیم.

29 and if you like, you can suggest a name for each folder.

و در صورت تمایل می‌تونید برای هر پوشه یه اسم پیشنهاد بدین.

30 WOMAN: So I could have one called 'Grandparents' for instance? EMPLOYEE: Exactly.

پس می‌تونم مثلاً یه پوشه به اسم پدربزرگ و مادربزرگ داشته باشم؟ / دقیقاً.

18 - Camb16-SECTION1-T2

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

46

47

48

18 - Camb16-SECTION1-T2

- 31 WOMAN: And do you do anything besides scan the photos?
و آیا کنار اسکن عکس‌ها، کار دیگه‌ای هم می‌کنین؟
- 32 Like, can you make any improvements?
مثلا، می‌تونید چیزی رو بهتر کنید؟
- 33 EMPLOYEE: Yes, in the standard service each photo is checked, and we can sometimes touch up the colour a bit, or improve the contrast – that can make a big difference.
بله، تو سرویس استاندارد، هر عکس بررسی میشه و گاهی اوقات می‌تونیم کمی رنگ رو اصلاح کنیم یا کنتراست رو بهبود ببخشیم - این می‌تونه تفاوت بزرگی ایجاد کنه.
- 34 WOMAN: OK. And some of the photos are actually quite fragile – they won't get damaged in the process, will they?
باشه. راستش بعضی عکس‌ها کاملاً شکننده هستن - تو این فرآیند خراب نمیشن، درسته؟
- 35 EMPLOYEE: No, if any look particularly fragile, we'd do them by hand.
نه، اگه هر کدومش به نظر شکننده باشه، با دست انجام میدیم.
- 36 We do realise how precious these old photos can be. WOMAN: Sure.
ما متوجه هستیم که این عکس‌های قدیمی چقدر می‌تونن با ارزش باشن. / حتما.
- 37 EMPLOYEE: And another thing is we can make changes to a photo if you want –
و یه چیز دیگه اینکه اگه بخواید می‌تونیم تغییراتی تو عکس ایجاد کنیم -
- 38 so if you want to remove an object from a photo, or maybe alter the background, we can do that.
اگه بخواید یه شی رو از یه عکس حذف کنید، یا شاید پس زمینه رو تغییر بدین، می‌تونیم این کار رو انجام بدیم.
- 39 WOMAN: Really? I might be interested in that I'll have a look through the photos and see.
واقعا؟ شاید برام جالب باشه. به عکس‌ها یه نگاه می‌اندازم و چک می‌کنم.
- 40 Oh, and talking of fixing photos - I've got a few that aren't properly in focus.
اوه، و حالا که صحبت از اصلاح عکس‌ها شد - من چند تا عکس دارم که واضح نیستن.
- 41 Can you do anything to make that better?
می‌تونید برای بهتر شدنشون کاری انجام بدین؟
- 42 EMPLOYEE: No, I'm afraid that's one thing we can't do. WOMAN: OK.
نه، ببخشید این یکی از کاراییه که ما نمی‌تونیم انجام بدیم. / باشه.
- 43 EMPLOYEE: Any other information I can give you?
اطلاعات دیگه‌ای هست که بتونم به شما بدم؟
- 44 WOMAN: Er ... oh, how long will it all take?
اوه... اوه، چقدر طول می‌کشه؟
- 45 EMPLOYEE: We aim to get the copying done in ten days.
هدفمون اینکه که کپی کردن اونا رو ظرف ده روز تموم کنیم.
- 46 WOMAN: Fine. Right, well I'll get the photos packed up in a box and post them off to you.
درسته. خب، من عکس‌ها رو تو یه جعبه بسته‌بندی می‌کنم و براتون می‌فرستم.
- 47 EMPLOYEE: Right. If you've got a strong cardboard box, that's best. We've found that plastic ones sometimes break in the post.
درسته. بهتره که اونا رو تو یه جعبه‌ی مقوایی محکم بسته‌بندی کنید، ما متوجه شدیم که بسته‌های پلاستیکی گاهی اوقات تو پست شکسته میشن.
- 48 WOMAN: OK. Right, thanks for your help. Bye. EMPLOYEE: Bye.
باشه. درسته، ممنون از کمکتون خداحافظ. / خداحافظ.

تمرین ۱۹ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

19 - Camb16-SECTION1-T3

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

19 - Camb16-SECTION1-T3

- 01 JAKE: Hello, Junior Cycle camp, Jake speaking.
سلام، کمپ دوچرخه سواری، جیک هستم.
- 02 WOMAN: Hi. I'm calling for some information about the cycle camp – I'm thinking of sending my son.
سلام. من برای کسب اطلاعاتی در مورد اردوی دوچرخه سواری تماس گرفتم- دارم درباره‌ی فرستادن پسر من به اونجا فکر میکنم.
- 03 JAKE: Great. Well, it's held every weekday morning over the summer vacation and we focus on basic cycling skills and safety.
عالیه. خب، هر روز صبح تو تعطیلات تابستانی برگزار میشه و ما روی مهارت‌های اولیه‌ی دوچرخه سواری و ایمنی تمرکز داریم.
- 04 We have eight levels for children from three years upwards.
ما هشت سطح برای کودکان از سه سال به بالا داریم.
- 05 How old's your son?
پسرتون چند سالشه؟
- 06 WOMAN: Charlie? He's seven.
چارلی؟ هفت سالشه.
- 07 He can ride a bike, but he needs a little more training before he's safe to go on the road.
می‌تونه دوچرخه سواری کنه، اما قبل از اینکه با آسودگی و امنیت تو جاده سواری کنه، به کمی آموزش نیاز داره.
- 08 JAKE: He'd probably be best in Level 5.
سطح ۵ احتمالاً براش عالیه.
- 09 They start off practising on the site here, and we aim to get them riding on the road,
اونها همین جا تو سایت شروع به تمرین می‌کنن، و ما قصد داریم اونها رو ببریم تو جاده،
10 but first they're taken to ride in the park, away from the traffic.
اما اول اونها رو برای سواری به پارک می‌بریم، دور از ترافیک.
- 11 WOMAN: Right. And can you tell me a bit about the instructors?
درسته و ممکنه کمی در مورد مربی‌ها توضیح بدین؟
- 12 JAKE: Well, all our staff wear different coloured shirts.
خب، همه‌ی کارمندای ما پیراهن‌های رنگی مختلفی می‌پوشن.
- 13 So, we have three supervisors, and they have red shirts.
ما سه سرپرست داریم و اونها پیراهن قرمز دارن.
- 14 They support the instructors, and they also stand in for me if I'm not around.
اونها از مربیا پشتیبانی می‌کنن و اگه من نباشم، جای من هستن.
- 15 Then the instructors themselves are in blue shirts, and one of these is responsible for each class.
بعدش خود مربی‌ها هستن که پیراهن آبی می‌پوشن و هر کدوم از اونها مسئول یه کلاسه. / باشه.
WOMAN: OK.

19 - Camb16-SECTION1-T3

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

19 - Camb16-SECTION1-T3

- 16 JAKE: In order to be accepted, all our instructors have to submit a reference from someone who's seen them work with children – like if they've worked as a babysitter, for example.
همه مربی‌های ما برای پذیرفته شدن باید یک معرفی‌نامه از کسی که کار او را رو با بچه‌ها دیده ارائه بدن - مثلاً آگه به عنوان پرستار بچه کار کرده باشن.
- 17 Then they have to complete our training course, including how to do lesson plans, and generally care for the well-being of the kids in their class.
بعدش باید دوره‌ی آموزشی ما رو کامل بگذرونن، از جمله نحوه‌ی انجام برنامه‌ریزی درسی، و در کل اهمیت دادن به سلامت بچه‌ها تو کلاس.
- 18 They do a great job, I have to say.
باید بگم که کارشون عالیه.
- 19 WOMAN: Right. And tell me a bit about the classes.
درسته. و کمی در مورد کلاس‌ها بگید.
- 20 What size will Charlie's class be?
کلاس چارلی قراره چند نفره باشه؟
- 21 JAKE: We have a limit of eight children in each class, so their instructor really gets to know them well.
ظرفیت هر کلاس هشت کودک هست و به همین دلیل مربی او را رو به خوبی می‌شناسه.
- 22 They're out riding most of the time but they have quiet times too, where their instructor might tell them a story that's got something to do with cycling, or get them to play a game together.
اونا بیشتر اوقات بیرون مشغول دوچرخه‌سواری هستن، اما وقت‌هایی رو هم باهم دارن، جایی که مربی اونا ممکنه داستانی مربوط به دوچرخه‌سواری براشون تعریف کنه، یا اونا رو وادار کنه تا با هم بازی کنن.
- 23 JAKE: It's a lot of fun. WOMAN: It must be.
خیلی سرگرم‌کننده‌ست. / باید باشه.
- 24 Now, what happens if there's rain? Do the classes still run?
حالا، آگه بارون بیاد چی میشه؟ کلاس‌ها هنوز ادامه دارن؟
- 25 JAKE: Oh yes. We don't let that put us off –
اوه بله. ما اجازه نمیدیم که اون جلوی ما رو بگیره -
- 26 we just put on our waterproofs and keep cycling.
ما بارونی‌هامون رو می‌پوشیم و به دوچرخه‌سواری ادامه میدیم.
- 27 WOMAN: And is there anything special Charlie should bring along with him?
و آیا چیز خاصی هست که چارلی باید با خودش بیاره؟
- 28 JAKE: Well, maybe some spare clothes, especially if the weather's not so good. And a snack for break time.
خب، شاید چند تا لباس اضافی، به خصوص آگه هوا چندان خوب نباشه. و یه میان وعده برای زمان استراحت.
- 29 WOMAN: How about a drink?
نوشیدنی چطور؟
- 30 JAKE: No, we'll provide that. And make sure he has shoes, not sandals.
نه، ما خودمون اونو داریم. و مطمئن باشید که کفش داره نه صندل.

19 - Camb16-SECTION1-T3

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

46

47

19 - Camb16-SECTION1-T3

- 31 WOMAN: Sure. And just at present Charlie has to take medication every few hours, so I'll make sure he has that.
مطمئناً. و در حال حاضر چارلی باید هر چند ساعت یکبار دارو مصرف کنه، پس مطمئن میشم که اونا رو همراه خودش داره.
- 32 JAKE: Absolutely. Just give us details of when he has to take it and we'll make sure he does.
WOMAN: Thanks.
کاملاً درسته. فقط جزئیات زمانی که باید اونو مصرف کنه رو به ما بدین تا ما مطمئن بشیم که داروهاش رو مصرف کنه. / ممنون.
- 33 JAKE: Now, there are a few things you should know about Day 1 of the camp.
حالا، چند نکته هست که باید درمورد روز اول کمپ بدونین.
- 34 The classes normally start at 9.30 every morning,
کلاس‌ها معمولاً هر روز صبح از ساعت ۹:۳۰ شروع میشن،
- 35 but on Day 1 you should aim to get Charlie here by 9.20.
اما روز اول باید برنامه‌ریزی کنید که چارلی رو ساعت ۹:۲۰ دقیقه بیارید اینجا.
- 36 The finishing time will be 12.30 as usual.
پایان کلاس طبق معمول ساعت ۱۲:۳۰ خواهد بود.
- 37 We need the additional time because there are a few extra things to do.
ما به زمان اضافی نیاز داریم چون چند تا کار اضافی برای انجام دادن داریم.
- 38 The most important is that we have a very careful check to make sure that every child's helmet fits properly.
مهمترین چیز اینه که بسیار دقیق بررسی می‌کنیم تا مطمئن بشیم که کلاه ایمنی هر کدوم از بچه‌ها اندازه‌ست.
- 39 If it doesn't fit, we'll try to adjust it, or we'll find him another one – but he must wear it all the time he's on the bike. WOMAN: Of course.
اگه اندازه نباشه، سعی می‌کنیم تنظیمش کنیم، یا یکی دیگه براش پیدا کنیم – اما باید اونو تو تمام مدتی که روی دوچرخه است بزاره. / البته.
- 40 JAKE: Then after that, all the instructors will be waiting to meet their classes, and they'll meet up in the tent - you can't miss it.
بعد از اون همه ی مربیا منتظر می‌مونن تا برن سر کلاس، و اونا تو چادر همدیگر رو ملاقات می‌کنن - نمی‌تونید چادر رو پیدا نکنید.
- 41 And each instructor will take their class away and get started.
و هر مربی کلاسش رو می‌بره و شروع می‌کنه.
- 42 WOMAN: OK. Well that all sounds good.
باشه. خب، همه چیز خوب به نظر میرسه.
- 43 Now can you tell me how much the camp costs a week?
حالا میشه بگید هزینه‌ی کمپ تو هفته چقدره؟
- 44 JAKE: One hundred ninety-nine dollars.
صد و نود و نه دلار.
- 45 We've managed to keep the price more or less the same as last year – it was one hundred ninety then.
ما تونستیم قیمت رو کم و بیش مثل سال گذشته نگه داریم – اون موقع صد و نود بود.
- 46 But the places are filling up quite quickly.
اما جاهای خالی دارن به سرعت پر میشن.
- 47 WOMAN: Right. OK, well I'd like to book for...
درسته. خب، من می‌خوام رزرو کنم...

تمرین ۲۰ : به فایل های صوتی با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و سعی کنید جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید (تقویت مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ)

20 - Camb16-SECTION1-T4

01

02

03

04

05

06

07

08

09

10

11

12

13

14

15

20 - Camb16-SECTION1-T4

01 SHIRLEY: Hello? TOM: Oh hello.

سلام؟ / اوه سلام.

02 I was hoping to speak to Jack Fitzgerald about renting a cottage.

امیدوار بودم که بتونم با جک فیتزجرالد در مورد اجاره‌ی کلبه صحبت کنم.

03 SHIRLEY: I'm his wife, Shirley, and we own the cottages together, so I'm sure I can help you.

من همسرش شرلی هستم، و ما با هم صاحب کلبه‌ها هستیم، پس مطمئنم که می‌تونم کمکتون کنم.

04 TOM: Great. My name's Tom. Some friends of ours rented Granary Cottage from you last year, and they thought it was great.

عالیه. اسم من تامه. بعضی از دوستانمون سال قبل کلبه‌ی انبار غله (کلبه گرانری) رو از شما اجاره کردن و گفتن عالی بود.

05 So my wife and I are hoping to come in May for a week.

در نتیجه، من و همسرم امیدواریم تو ماه می برای یه هفته بیایم اونجا.

06 SHIRLEY: What date did you have in mind?

چه تاریخی رو در نظر داشتید؟

07 TOM: The week beginning the 14th, if possible.

در صورت امکان هفته‌ای که از چهاردهم شروع میشه.

08 SHIRLEY: I'll just check ... I'm sorry, Tom, it's already booked that week.

بزارید بررسی کنم ... متاسفم، تام، اون هفته از قبل رزرو شده.

09 It's free the week beginning the 28th, though, for seven nights.

ولی اون کلبه به مدت هفت شب از هفته‌ای که از بیست و هشتم شروع میشه، خالیه.

10 In fact, that's the only time you could have it in May.

در واقع، این تنها زمانیه که می‌تونید تو ماه می کلبه رو رزرو کنید.

11 TOM: Oh. Well, we could manage that, I think.

اوه. خب، فکر کنم بتونیم یه کاریش کنیم.

12 We'd just need to change a couple of things.

ما فقط باید چند تا چیز رو تغییر بدیم.

13 How much would it cost?

هزینش چقدر میشه؟

14 SHIRLEY: That's the beginning of high season, so it'd be £550 for the week.

الان شروع فصل پرفروشه، پس ۵۵۰ پوند در هفته میشه.

15 Ah. That's a bit more than we wanted to pay, I'm afraid.

آه. معذرت می‌خوام، این مقدار کمی بیشتر از اون چیزیه که می‌خواستیم پردازیم.

20 - Camb16-SECTION1-T4

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

20 - Camb16-SECTION1-T4

- 16 We've budgeted up to £500 for accommodation.
ما تا ۵۰۰ پوند برای اقامت در نظر گرفته‌ایم.
- 17 TOM: Well, we've just finished converting another building into a cottage, which we're calling Chervil Cottage.
خب، ما به تازگی تبدیل به ساختمون دیگه به کلبه رو به پایان رسوندیم که بهش کلبه‌ی شرویل می‌گیم.
- 18 SHIRLEY: Sorry? What was that again?
ببخشید؟ چی می‌گین؟
- 19 TOM: Chervil. C-H-E-R-V for Victor I-L.
شرویل C-H-E-R-V مثل ویکتور I-L
- 20 SHIRLEY: Oh, that's a herb, isn't it?
اوه، این یه گیاه دارویی، اینطور نیست؟
- 21 TOM: That's right. It grows fairly wild around here.
درسته. این اطراف نسبتا بصورت خودرو رشد می‌کنه.
- 22 You could have that for the week you want for £480.
می‌تونید با ۴۸۰ پوند برای اون یه هفته‌ای که می‌خواید اجارش کنید.
- 23 SHIRLEY: OK. So could you tell me something about it, please?
باشه. می‌تونید چیزی در موردش به من بگید، لطفا؟
- 24 TOM: Of course. The building was built as a garage.
البته. این ساختمون به عنوان گاراژ ساخته شده.
- 25 It's a little smaller than Granary Cottage.
کمی کوچکتتر از کلبه‌ی انبار غله (کلبه گرانی) هست.
- 26 SHIRLEY: So that must sleep two people, as well?
پس باید برای خوابیدن دو نفر خوب باشه.
- 27 TOM: That's right. There's a double bedroom.
درسته. یه اتاق خواب دو نفره داره.
- 28 SHIRLEY: Does it have a garden?
باغ داره؟
- 29 TOM: Yes, you get to it from the living room through French doors, and we provide two deckchairs.
بله، شما از اتاق نشیمن از طریق درهای دو لنگه برید اونجا، و ما دو صندلی تاشو اونجا داریم.
- 30 We hope to build a patio in the near future, but I wouldn't like to guarantee it'll be finished by May.
ما امیدواریم در آینده‌ی نزدیک یه ایوان بسازیم، اما تضمین نمی‌کنم که تا ماه می تمام بشه. / باشه.
SHIRLEY: OK.

20 - Camb16-SECTION1-T4

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

20 - Camb16-SECTION1-T4

- 31 TOM: The front door opens onto the old farmyard, and parking isn't a problem – there's plenty of room at the front for that.
در ورودی به حیاط مزرعه‌ی قدیمی باز میشه، و مشکلی برای پارکینگ نیست - فضای زیادی جلو کلبه براش هست.
- 32 There are some trees and potted plants there.
چند درخت و گلدون اونجا وجود داره.
- 33 SHIRLEY: What about facilities in the cottage?
امکانات کلبه چطور؟
- 34 It has standard things like a cooker and fridge, I presume.
فکر کنم چیزهای معمول مثل اجاق گاز و یخچال داره.
- 35 TOM: In the kitchen area there's a fridge-freezer and we've just put in an electric cooker. Is there a washing machine?
تو قسمت آشپزخونه یه یخچال فریزر وجود داره و ما فقط یه اجاق گاز برقی گذاشتیم. ماشین لباسشویی هم داره؟
- 36 SHIRLEY: Yes. There's also a TV in the living room, which plays DVDs too.
بله. تو اتاق نشیمن یه تلویزیون هم هست که DVD هم پخش می‌کنه.
- 37 The bathroom is too small for a bath, so there's a shower instead.
حمام برای وان خیلی کوچیکه، پس به جای اون دوش وجود داره.
- 38 I think a lot of people prefer that nowadays, anyway.
به هر حال فکر می‌کنم خیلی از مردم این روزها دوش رو ترجیح میدن.
- 39 TOM: It's more environmentally friendly, isn't it? Unless you spend half the day in it! SHIRLEY: Exactly.
با محیط زیست سازگارتره، اینطور نیست؟ مگر اینکه نصف روز توش باشین! / دقیقا.
- 40 TOM: What about heating? It sometimes gets quite cool at that time of year.
در مورد گرمایش چطور؟ گاهی اوقات تو اون موقع سال هوا خیلی سرد میشه.
- 41 SHIRLEY: There's central heating, and if you want to light a fire, there's a stove.
اونجا گرمایش مرکزی داریم و اگر بخواید آتش روشن کنید، یه اجاق گاز هم هست.
- 42 We can provide all the wood you need for it.
ما می‌تونیم تمام چوب مورد نیاز شما رو فراهم کنیم.
- 43 It smells so much nicer than coal, and it makes the room very cosy – we've got one in our own house.
بوی خیلی بهتری از زغال میده و اتاق رو خیلی دنج می‌کنه - ما تو خونه‌ی خودمون یکی داریم.
- 44 TOM: That sounds very pleasant. Perhaps we should come in the winter, to make the most of it!
خیلی خوشه. شاید باید تو زمستون بیاییم تا ازش نهایت استفاده رو ببریم!
- 45 SHIRLEY: Yes, we find we don't want to go out when we've got the fire burning.
بله، ما وقتی شومینه روشنه نمی‌خوایم بیرون بریم.

20 - Camb16-SECTION1-T4

46

47

48

49

50

51

52

53

54

20 - Camb16-SECTION1-T4

- 46 There are some attractive views from the cottage, which I haven't mentioned.
 مناظر جذابی از کلبه وجود داره که من بهشون اشاره نکردم.
- 47 There's a famous stone bridge - it's one of the oldest in the region, and you can see it from the living room.
 یه پل سنگی معروف هست - یکی از قدیمی ترین پل های منطقه و می تونید اونو از اتاق نشیمن ببینید.
- 48 It isn't far away. The bedroom window looks in the opposite direction, and has a lovely view of the hills and the monument at the top.
 دور نیست. پنجره ی اتاق خواب به جهت مخالف باز میشه و منظره ای دوست داشتنی از تپه ها و بنای تاریخی بالا داره.
- 49 TOM: Well, that all sounds perfect. I'd like to book it, please.
 خب، همه چیز عالی به نظر میرسه. می خوام رزرو کنم، لطفا.
- 50 Would you want a deposit?
 پیش پرداخت می گیرید؟
- 51 SHIRLEY: Yes, we ask for thirty percent to secure your booking, so that'll be, um, £144.
 بله، ما سی درصد می گیریم تا رزرو شما رو تضمین کنیم، بنابراین، اوم، ۱۴۴ پوند میشه.
- 52 TOM: And when would you like the rest of the money?
 و چه زمانی بقیه پول رو می خواهید؟
- 53 SHIRLEY: You're coming in May, so the last day of March, please. TOM: Fine.
 شما تو ماه می میاین، پس آخرین روز مارس میشه، لطفا. / خوبه.
- 54 SHIRLEY: Excellent. Could I just take your details...
 عالیه. فقط میتونم مشخصاتتون رو بگیرم...

WORKBOOK

IELTS LISTENING

Section 1

Cambridge 12 - 16